



جرایم سیاسی و مطبوعاتی

نویسنده: مهناز احمدی (کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)

نشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

www.haghgostar.ir

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۳
تاریخچه جرائم سیاسی و نگاهی کلی به جرائم سیاسی.....	۴
تعریف و مصادیق جرائم سیاسی.....	۲۸
جرائم مطبوعاتی.....	۳۵
مسئولیت کیفری در جرائم مطبوعاتی.....	۳۶
تفسیر قانون مطبوعات.....	۳۹
برگزاری دادگاه جرائم سیاسی و مطبوعاتی به صورت علنی.....	۵۸
تفسیر قانون هیات منصفه.....	۶۰
نظر هیات منصفه ارجح است یا دادگاه کیفری استان؟.....	۶۳

مقدمه

شاید به جرأت بتوان ادعا کرد تعداد عناوین و موضوعاتی که در شاخه‌ها و گرایش‌های مختلف حقوق به مناسبت‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند زیاد نیست و نوعاً هر موضوع بسته به ماهیت و محورهای اصلی تشکیل دهنده‌ی آن در یک بخش خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد با اینحال جرم سیاسی یکی از همان موضوعات نادری است که به مناسبت‌های گوناگون هم در مباحث مربوط به حقوق جزای عمومی و هم در ضمن مسایل حقوق جزای اختصاصی مورد توجه قرار گرفته است جرم سیاسی از یک سو در دسته بندی کلی جرائم از حیث عنصر معنوی جرم و به لحاظ موقعیت روانی مجرم در آن جهت که عنصر معنوی در آن تا حدودی با سایر جرایم عادی متفاوت است مورد بحث در جزای عمومی است و از سوی دیگر آنجا که از اقسام و انواع جرائم سخن به میان می‌آید جرم سیاسی نیز تحت عناوین جزئی‌تری همچون جرائم علیه امنیت داخلی یا امنیت خارجی و جرایم علیه حقوق و آزادی‌های اساسی افراد و ... در قلمرو حقوق جزای اختصاصی مطرح می‌شود. در مورد نخست یعنی بحث از جرم سیاسی به لحاظ عنصر معنوی ویژگی و برجستگی جرم سیاسی در مقایسه با سایر جرائم تنها به بخش معینی از عنصر روانی باز می‌گردند نه به تمامی آن، این خصوصیت بیشتر از آن‌که به عنصر معنوی به معنای قصد مجرمانه و اراده شخص مجرم از ارتکاب جرم مربوط باشد به انگیزه و هدف غایی مجرم از ارتکاب جرم ارتباط دارد چرا که مجرمین سیاسی به لحاظ انگیزه و اهداف برتر است که از دیگران متمایزاند. این گروه غالب با انگیزه‌های شرافتمندانه و بدور از اغراض و مقاصد شخصی و سودجویانه و مبتنی بر تحصیل منافع نامشروع و سطحی و

غیر انسانی مرتکب جرم می‌شوند در حالی که به لحاظ قصد و اراده مجرمانه و توجه و آگاهی نسبت به عمل مجرمانه و غیر قانونی بودن آن نه تنها با مجرمان دیگر تفاوتی ندارند بلکه شاید گاه در این زمینه از قصد مجرمانه و تعهد آگاهانه‌ی بیشتری نسبت به انجام عمل مزبور به عنوان یک عمل مجرمانه برخوردار باشند. با وجودی که بر اساس یک شعار سنتی و یک اصل دیرپای مطرح در حقوق کیفری کمیت و کیفیت و یا نوع انگیزه و هدف غایی مجرم در اصل مسئولین کیفری وی موثر نمی‌باشد بلکه تنها عامل تعیین کننده، اصل اراده و قصد مجرمانه متخصص مرتکب می‌باشد ولی به هر حال تاثیر آن بر تحقق یک سری جهات و خصوصیات تشدید کننده یا تخفیف دهنده در میزان مسئولیت کیفری و به تبع آن میزان و نوع مجازات قابل انکار نیست به خصوص در زمینه تحصیل آثار منفی اجتماعی پس از دوران محکومیت یا پس از تحمل مجازاتهای اصلی و یا حتی در نحوه برخورد و رفتار با مجرم در طول دوران تحمل محکومیت تاثیرات وسیع انگیزه شرافتمندانه و انسانی و مطابق با هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی در مقایسه با انگیزه‌های پست و غیر انسانی به راحتی قابل درک و احساس می‌باشد از همین روست که جرم سیاسی با وجود عدم تفاوت چشمگیر در قصد و اراده مجرمانه (عنصر معنوی) با سایر جرائم جایگاه به خصوصی در میان سایر جرائم به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر در محدوده قلمرو مباحث جزایی علیه حقوق و آزادی‌های اساسی افراد یا جرائم علیه بنیادها و اسکان زیر بنایی و بسیار حیاتی جامعه و یا نهادها و دستگاه‌های تشکیل دهنده قوای حاکمه (دولت) مسأله جرم سیاسی به صورت یک عنوان تمام و فراگیر که همه این عناوین گوناگون مجرمانه را در بر می‌گیرد مطرح می‌شود.

تاریخچه جرائم سیاسی و نگاه کلی به جرائم سیاسی

[۱] اندیشه تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عمومی از آغاز شروع زندگی اجتماعی و به دنبال آن با پیدایش حقوق کیفری وجود داشته هم اینکه نیز ادامه دارد در پی تحولات سیاسی، اجتماعی، اوایل قرن نوزدهم تحولی شگرف در نوع تفکر و همچنین برخورد با این دسته از مجرمین به وجود آمده این تحول سیاسی، اجتماعی، موجب گردید تا قوانین و مقررات کیفری را نیز تحت تاثیر قرار داده برخورد تازه‌ای نسبت به مجرمین سیاسی پدیدار گردد. اما پس از مدتی سیر قهقراپی به سوی اعمال شدید و سخت‌گیرانه گذشته آغاز گردید و رژیم ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی کم‌رنگ شد. در قانون اساسی نیز قانونگذار عادی موظف شده است تعریف جرم سیاسی و همچنین نحوه‌ی انتخاب، شرایط و اختیارات هیات منصفه را معین کند، لذا برای اجرای عملی اصل مزبور ضرورت بررسی و پرداختن به موضوع جرم سیاسی و ضرورت‌های مرتبط با آن مشخص می‌شود ضمن اینکه در قوانین ما گروهی از جرایم پیش‌بینی شده‌اند که دارای ماهیت سیاسی بوده ولی به واسطه‌ی عدم تعریف جرم سیاسی و شرایط و ضوابط آن همچنان به عنوان مجرمین عادی با آنها برخورد می‌گردد

[۲] جایگاه جرم سیاسی در طبقه‌بندی جرائم در حقوق جزای عمومی جرائم را از حیث‌های مختلف تقسیم بندی و طبقه‌بندی می‌نمایند جایگاه جرم سیاسی در میان طبقه‌بندی جرائم در نزد حقوقدانان دارای شیوه‌ی واحد نمی‌باشد. بعضی از حقوقدانان و قوانین کشورها وقتی جرائم را تقسیم‌بندی کرده‌اند جرم سیاسی را در زمره‌ی طبقه‌بندی جرائم از حیث طبیعت و ماهیت جرم دسته‌بندی کرده‌اند.

[۳] بعضی دیگر جرم را در ذیل بحث عنصر روانی مطرح کرده، گفته‌اند: بر حسب عنصر روانی جرائم به دو دسته عمومی و سیاسی تقسیم می‌شوند. به عبارت دیگر جرم سیاسی یکی از اقسام جرائم بر اساس عنصر اخلاقی است

[۴] تعریف جرم سیاسی ارائه تعریفی کامل از هر چیزی به گفته‌ی علمای منطق جز از خدای دانا به تمامی صفات آن چیز، ساخته نیست، چرا که هیچ کس از کنه اشیاء آگاه نیست تا بتواند معرف آن باشد و این گفته اگر هم در مورد تمامی چیزها قابل قبول نباشد در مورد جرم سیاسی بسیار جدی است و بهترین دلیل آن، عدم توفیق ارائه یک تعریف عاری از تعرض و ایراد است و این نکته ناشی از علل گوناگونی است که ماهیت ناشناخته جرم سیاسی و فراهم نمودن مصداقی آشکار در آن، در زمره‌ی همین علتهاست و از این رو هیچ تعریفی نیست که به محض اعلان در معرض شدید ایرادها و انتقادهای واقع نشده باشد. به علاوه جرم سیاسی

مانند سایر جرایم وجود عینی ثابت و مشخص ندارد تا بتوان با توصیف عناصر تشکیل دهنده و سایر خصوصیات آن را تعریف نمود. مفهوم جرم سیاسی به طور رسمی در سال ۸۳۰ میلادی وارد قانون کشور فرانسه شد و از جرایم عادی جدا گردید ولی تعریفی از آن، ارائه نگردید، بعدها به مصادیق آن اشاره شد در قوانین ایران نیز تنها اسمی از جرائم سیاسی و امتیازات آن برده شده ولی تعریف خاصی از آن نشده است لذا حقوقدانان ایرانی نیز با ابهام از نوشته‌ها و متون خارجی به طور اجمال به این موضوع پرداخته‌اند.

[۵] تعریف جرم سیاسی از دیدگاه دکترین هنگامی که سخنی از تعریف جرم سیاسی از دیدگاه کمترین به میان می‌آید منظور تعاریفی است که از سوی حقوقدانان غربی با حقوقدانان مشرق زمین به پیروی از آنان ایراد شده است زیرا جرم سیاسی در حقوق ایران به صورت کامل مورد بحث و کنکاش واقع نشده است. ۱. جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که در آن یا انگیزه سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری کشور بوده و یا هر عمل مجرمانه‌ای که نتیجه آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد.

[۶] ۲. جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی و اجتماعی و برهم زدن نظم و امنیت کشور باشد.

[۷] ۳. جرم سیاسی ناشی از فکر سیاسی و یا از یک موسسه و دستگاه سیاسی را جرم سیاسی می‌گویند.

[۸] ۴. جرم سیاسی جرمی است که به تشکیلات اجتماعی زیان وارد کند.

[۹] ۵. کلیه جرائمی که هدف آن صدمه رسانیدن به سازمان و فعالیت قدرت سیاسی کشور باشد جرم سیاسی تلقی می‌شود.

[۱۰] ۶. جرائم دارای عنوان سیاسی هستند که بر ضد مصالح سیاسی کشور یا بر ضد حقوق سیاسی یکی از اهالی ارتکاب شده باشد علاوه بر این جرائم عمومی که مقدمه ناگزیر جرائم سیاسی باشند و اعمال مادی آن‌ها به طور عمده جرم سیاسی را تشکیل می‌دهند جرم سیاسی محسوب است.

[۱۱] ۷- جرم سیاسی عبارت از جرمی است که علیه تشکیلات اداره حکومت و یا جنابین حقوق ناشید آن برای افراد ارتکاب می‌شود.

[۱۲] ۸. ترمینولوژی حقوق، جرم سیاسی را جرم ناشی از فکر سیاسی و یا از یک موسسه یا دستگاه سیاسی می‌داند و در ادامه در تعریف جرم سیاسی به معنای خاص نوشته شده است در معنی اخص جرمی است که مخالف نظام سیاسی داخلی و یا خارجی کشور باشد، مانند توطئه برای تغییر شکل حکومت

[۱۳] ۹. پرفسور لیست (جرم سیاسی عبارت از اعمال قابل مجازاتی است که علیه حقوق سیاسی جامعه یا افراد صورت گرفته باشد. ۱۰. تعریف پرفسور رو: جرم سیاسی شامل تمام تخلفاتی است که نه تنها علیه جامعه یعنی هیئتی که آن را صاحب اموال و حقوق می‌دانیم و یا علیه یکی از افراد آن از جمله شاغلین مقامات رسمی انجام شود بلکه علیه جامعه‌ای که به صورت ملت تشخیص داده شده و علیه اساس قانونی که برای خود درست کرده و یا علیه مبادی و اصول سیاسی که به وجود آورده است به عمل آمده باشد. ۱۱. تعریف هامریک کی: جرایمی دارای عنوان سیاسی هستند که بر ضد مصالح سیاسی کشور و یا بر ضد حقوق سیاسی یکی از هالی ارتکاب یافته باشند. ۱۲. تعریف ارائه شده در انجمن حقوقی کپنهاک در سال ۱۹۳۵: «جرائم سیاسی جرائمی هستند که متوجه تشکیلات و اداره مملکت شود یا علیه حقوق حاصله از تشکیلات و اداره مملکت نسبت به افراد انجام گیرد.» ۱۳- تعریف پرفسور کنسانت: از نظر خارجی، استقلال و تمامیت ارضی در روابط کشور با سایر ممالک را باید جزو اموری دانست که اقدام علیه آن‌ها سیاسی است و از نظر داخلی، فرم و رژیم کشور و قدرت سیاسی کشور و حقوق سیاسی افراد از اموری است که اقدام علیه آن‌ها سیاسی تلقی می‌شود. از میان تعاریف ارائه شده، تعریف اول کاملتر از بقیه است، با این حال درباره این تعاریف نکاتی انتقادی وجود دارد که به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم. پاره‌ای از این تعاریف تنها به نتیجه جرم سیاسی توجه کرده آن را جرمی دانسته‌اند که به ضربه زدن به تشکیلات سیاسی یک کشور، بینجامد. اما اینکه قصد مبارزه با حکومت نیز برای آن شرط است یا نه، اشاره‌ای ندارند طبیعی است در این صورت بسیاری از جرائم عادی نیز در عداد جرائم سیاسی قرار خواهند گرفت حال آنکه آنچه در جرم سیاسی مهم است، نیت و انگیزه مجرم است که او را از سایر مجرمان، متمایز می‌سازد. برخی دیگر از آن‌ها جرم سیاسی را جرمی می‌دانند که به قصد ضربه زدن به حکومت صورت می‌گیرد بنابراین جرائم با ماهیت سیاسی که بدون این قصد ارتکاب می‌شود از دامنه شمول آن‌ها خارج است در این تعاریف نیز ملاحظه می‌شود که اولاً تشخیص هدف که یک امر درونی است و جز از راه فاعل جرم قابل شناسایی نیست به آسانی میسر نخواهد بود. ثانیاً افراد زیادی ممکن است ادعای سیاسی بودن اعمال خود را مطرح کنند. همچنین در هیچ یک از آن‌ها مشروعیت نظام که جرم سیاسی علیه آن صورت می‌گیرد مطرح نیست و این نکته مهمی است زیرا گروهی از صاحب‌نظران در اطلاق عنوان جرم به اعمالی که علیه یک نظام مستند و غیر مشروع صورت می‌گیرد تردید روا داشته‌اند. تعاریفی که ارتکاب جرم علیه حقوق سیاسی افراد را جرم سیاسی می‌دانند چندان روشن نیستند، زیرا انسان دارای حقوق سیاسی فراوانی است که ارتکاب جرم علیه برخی از آنها قطعاً سیاسی نخواهد بود. تعریف پیشنهادی: پس از بررسی تعاریف دکترین به نظر می‌رسد تعریف زیر مناسب باشد. جرم سیاسی عبارت است از: فعل یا تعریف فعل مجرمانه که با انگیزه خیرخواهانه و بدون در نظر گرفتن نفع شخصی و بدون اعمال خشونت و درگیری علیه نظام سیاسی مستقل (مشروع) و حاکمیت دولت و مدیریت عالی کشور و مصالح نظام جمهوری اسلامی و یا حقوق و آزادیهای سیاسی و قانونی

شهروندان ارتکاب می یابد. ویژگی های این تعریف عبارتند از: ۱- با این تعریف قصد ایجاد جرایم جدید وجود ندارد بلکه یک سری از جرایم پیش بینی شده در قوانین جاری کشور که دارای ماهیت سیاسی است با این تعریف تحت پوشش جرم سیاسی و امتیازات مربوط به آن قرار می گیرد. ۲- برای تحقق جرایم سیاسی لزوماً نباید فعل باشد، بلکه از طریق ترک فعل نیز قابل تحقق است. ۳- جرایم مورد نظر باید علیه تشکیلات سیاسی کشور از قبیل حاکمیت دولت، نظام سیاسی مشروع، مصالح کشور و همچنین حقوق و آزادیهای سیاسی از قبیل حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، آزادی بیان و اجتماعات و ... ارتکاب یابد. ۴- جرم سیاسی لزوماً باید با انگیزه سیاسی و خیرخواهانه انجام گیرد و منافع شخصی و اهداف حقارت آمیز مثل انتقام، جاه طلبی و غیره در بین نباشد. ۵- همچنین بدون اعمال خشونت و درگیری انجام گیرد.

عناصر عمومی جرم سیاسی برای آن که عمل شخصی، جرم و قابل مجازات باشد باید دارای سه عنصر قانونی، مادی و روانی وجود داشته باشد در صورتی که هر کدام از این ارکان تحقق پیدا نکند عمل فرد مزبور عنوان مجرمانه نخواهد داشت البته علاوه بر آن هر جرمی دارای عناصر اختصاصی مخصوص به خود است که مربوط به بحث ما نمی شود. به عبارت ساده تر کلیه جرائم ارتكابی یک ترکیب مشترک دارند که متشکل از عناصر سه گانه فوق است جرم سیاسی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای آن که در خارج تحقق پیدا کند وجود آن سه عنصر ضروری است. اشکالی که در خصوص جرم سیاسی به ذهن متبادر می شود این است که افرادی که علیه حکومتی به مخالفت برخاسته و مبارزه می کنند، اگر حکومت را به دست بگیرند نه تنها عمل آن ها را جرم نمی دانند بلکه مورد توجیه و تشویق نیز قرار می دهند با این مقدمه عناصر عمومی جرم سیاسی را مورد بررسی قرار می دهیم. ۱. عنصر قانونی: رکن قانونی جرم به این اصل از اصول معروف حقوق جزا برمی گردد که تنها زمانی می توان عملی را جرم و مجازات برای آن در نظر گرفت که قانون جرم بودن و مجازات آن را مشخص کرده باشد بنابراین عنصر قانونی جرم پایه و اساس جرم را تشکیل می دهد. در حقوق اسلام نیز این عنصر پذیرفته شده هر چند که این اصطلاح در حقوق عرفی پدیدار گشته ولی محتوای آن، در موارد متعددی از دستورهای اسلامی مشاهده می شود مستندات فراوانی در اسلام موید این نظر و اصل مذکور هستند از قبیل: لا یكلف الله نفساً الا ما آتھا: «یعنی خداوند هیچ کسی را به تکلیفی ملزم نمی کند مگر آن که حکم و قانون آن را برای او آورده باشد.» اما عنصر قانونی در جرم سیاسی آن است که در قوانین هر کشوری مواردی را تحت عنوان جرم سیاسی پیش بینی کرده باشد برای مثال قانون که از فرانسه را به عنوان مصادیق جرم سیاسی برشمرده است مثل اینکه می گوید: یکی از مصادیق جرم سیاسی جرائم انتخاباتی است اما روش دیگر آن است که با ارائه تعریف و شرایط آن بخشی از اعمالی را که در قانون جرم شناخته شده تحت پوشش جرم سیاسی قرار می دهند مانند قانون عراق، سوریه و لبنان. قانونگذار ایران نیز هر چند در قانون مجازات اسلامی نامی از جرم سیاسی به میان نیاورده ولی جرایمی را که دارای ماهیت

سیاسی هستند پیش بینی کرده است. علاوه بر اینکه بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار جرم سیاسی را یک جرم خاص پذیرفته است، ولی در قوانین عادی پیش بینی نشده است نکته مهم و قابل توجه آن است که قانونگذار ما به بعضی از جرائم دارای ماهیت سیاسی عنوان محاربه اطلاق نموده است به خاطر همین مطالب عده‌ای تصور کرده‌اند که جرم محاربه یکی از جرم سیاسی است در حالی که نه بر اساس قوانین موضوعه و نه در حقوق اسلام نمی‌توان محاربه را در عداد جرایم سیاسی قلمداد کرد نتیجه این که قانونگذار ما باید قانونی در این زمینه تصویب و تعریف و مشخصات جرم سیاسی را تعیین کند تا رکن مهم و اساسی جرم سیاسی در کشور مشخص گردد. ۲. عنصر مادی: زمانی رکن مادی یک جرم متحقق می‌شود که در خارج عملی انجام شده یا وظیفه‌ای ترک شود البته برای قابل مجازات بودن عمل همیشه ضرورتی ندارد که عمل مادی تا نهایت انجام گرفته نتیجه زیانباری به وجود آورد. جرایمی که تنها با به کارگیری وسایلی محقق می‌شود و نیازی به نتایج حاصله ندارد مثل مسموم کردن. همچنین مواردی هست که شروع به آن‌ها نیز قابل مجازات می‌باشد. جرم سیاسی زمانی تحقق پیدا می‌کند که در خارج فعلی ارتکاب یا وظیفه‌ای ترک شود به عقیده یکی از نویسندگان

[۱۵] بعضی از جرائم سیاسی به دلیل اهمیتی که دارند صرف تبانی برای تحقق جرم کافی است مثل ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ ولی در این خصوص می‌توان گفت که قانونگذار صرف تبانی و توطئه را که خود یک عمل خارجی است جرم دانسته و مجازات تعیین کرده است، لذا در اینجا نیز فعل خارجی وجود دارد. همچنین در مورد شروع به جرم سیاسی و محال یا عقیم بودن آن، قواعد عمومی مربوط به این موارد اعمال خواهد شد مگر این که در قانون مربوطه به جرم سیاسی موارد مذکور پیش بینی شده باشد. ۳. عنصر روانی: از نظر قضائی برای تحقق جرم تنها وجود عنصر مادی و قانونی کافی نیست بلکه عمل مزبور باید در اثر اراده و قصد مرتکب انجام شده باشد این ارتباط میان عمل و مرتکب را عنصر روانی یا اخلاقی مجرم می‌دانند که وجود آن، برای تحقق جرم ضروری است به عبارت دیگر عملی قابل مجازات است که با سوء نیت (قصد وارد) انجام گرفته باشد این اصل نیز از اصول مسلم و پذیرفته شده است که در حقوق اسلام نیز وجود دارد مثل حدیث رفع که وجود این عنصر را تایید می‌کند وجود سوء نیت (عنصر روانی) در جرم سیاسی نیز ضروری و لازم است یعنی اراده کردن عملی که از نظر قانونگذار منع شده است. یکی از نویسندگان

[۱۶] می‌گوید: عنصر روانی در این جرم با جرایم دیگر متفاوت است چرا که مجرمین سیاسی در اغلب موارد با سوء نیت به مقابله با حکومت، بر نمی‌خیزند بلکه با ادعای نجات جامعه و انگیزه و هدف شرافتمندانه مثل نجات مردم و کمک به آنان مرتکب این جرایم می‌شوند اما این سخن تمام سخن نیست برای اینکه به نظر می‌رسد آنچه که در عنصر اخلاقی یک جرم مطرح است این نکته می‌باشد که فردی اراده‌ی انجام عملی را

بنماید که قانونگذار آن را ممنوع کرده است فلذا اگر قانونگذار عملی را جرم بداند و فردی اراده ی آن عمل ممنوع شده را بنماید عنصر روانی و به عبارت دیگر سوء نیت عام محقق گردیده است. در بعضی از جرائم علاوه بر سوء نیت عام سوء نیت خاص نیز لازم است. اقسام و استثنائات جرم سیاسی اقسام جرم سیاسی و تاملی در برخی از جرایم اقسام جرم سیاسی در جرایمی که انگیزه سیاسی یا صدمه رساندن به حکومت و حقوق سیاسی افراد مطرح است، می‌توان جرایم سیاسی را به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱- جرایم سیاسی محض (بسیط) ۲- جرایم سیاسی نسبی ۱- جرایم سیاسی محض (بسیط) جرایم سیاسی محض به آن دسته از جرایمی اطلاق می‌شود که صرفاً بر ضد حکومت و نظام سیاسی باشد. با این وصف که تشکیلات سیاسی هستند، ارتکاب یافته که همان انگیزه سیاسی است و هیچ گونه هدف و انگیزه‌ای غیر از آن نیست. به عبارت دیگر جرایم سیاسی که حائز هر دو مفهوم عینی و شخصی باشند، آن را جرایم سیاسی محض می‌گویند. رویه قضایی کشورهای مختلف از جمله فرانسه جرم سیاسی محض را مورد توجه قرار داده، جرمی را سیاسی می‌داند که نظم مستقر در جامعه را به خطر بیندازد و بر ضد اساس حکومت یا حاکمیت دولت ارتکاب یابد و باعث اختلال در نظم موجود که با قوانین اساسی تثبیت شده می‌گردد. ۲- جرایم سیاسی نسبی اصطلاح جرایم سیاسی نسبی به جرایمی اطلاق می‌شود که در اصل در زمره جرایم عادی و عمومی هستند، ولی به گونه‌ای با جرایم سیاسی ارتباط دارند که این ارتباط موجب تعدد مادی یا معنوی جرایم می‌گردد. به عبارت دیگر به جرایمی اطلاق می‌شود که ابتدا وصف سیاسی بودن آن‌ها روشن نیست. این نوع جرایم به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- جرایم مرکب با جرایم سیاسی ۲- جرایم مرتبط به جرم سیاسی ۱- جرایم مرکب با جرم سیاسی به آن دسته از جرایمی اطلاق می‌گردد که موضوع آن عادی است، ولی با انگیزه سیاسی انجام می‌شود. به عبارت دیگر وقتی جرم مرکب است که در آن واحد هم به نظم سیاسی و هم به حقوق عمومی ضرر و صدمه وارد می‌کند آپ مثل سوء قصد به حیات رئیس جمهور برای تغییر حکومت که از نظر عنصر مادی، جرم مورد نظر از جرایم عمومی است و از لحاظ هدف و انگیزه، سیاسی است. رویه قضایی در کشور فرانسه جرایم مرکب را سیاسی نمی‌داند، در بسیاری از قراردادهای استرداد بحث سوء قصد به جان افراد اشاره شده که متعاقدين، استرداد از این قبیل مجرمین را می‌پذیرند. این خود دلیل آن است که جرم مرکب کامل یک جرم سیاسی نیست، چون اگر دارای وصف سیاسی بود، استرداد آن پذیرفته نمی‌شد. البته موسسه حقوق بین المللی در سال ۱۸۹۲ میلادی این چنین مقرر کرد که: «جرایم مرکب و یا جرایم مرتبط به جرایم سیاسی، جرایم سیاسی به شمار می‌آید، مگر آن که این جرایم مرکب و مرتبط از نظر اخلاقی و حقوق عمومی بسیار شدید باشد، مثل قتل، سم دادن و جرح شدید ارادی و یا سبق تصمیم و شروع به جرایمی از این قبیل، نظیر تجاوز به املاک به وسیله ایجاد حریق و مواد منفجره و ... و همچنین دزدی‌های شدید مخصوصاً دزدی مسلحانه یا با آزار.» چه این که بعضی از حقوقدانان نیز معتقدند که در چنین جرایمی در اغلب سیستم‌های کیفری به نظریه عینی توجه می‌شود و به انگیزه و هدف مجرم توجهی نمی‌کنند، در

نتیجه این گونه جرایم در زمره جرایم عمومی قرار می‌گیرند. ۲- جرایم مرتبط (متصل) به جرم سیاسی جرم مرتبط عبارت از جرمی است که به خاطر رابطه سببیت، به جرم سیاسی مربوط می‌باشد. پرفسور پوزا، در تعریف این نوع از جرایم می‌نویسد: «به جرایم حقوق عمومی که به مناسبت حوادث سیاسی مرتکب شوند، و به وسیله رابطه علیت به یک جرم سیاسی مربوط باشند، جرم متصل (مرتبط) می‌گویند.» مثل غارت کردن یک مغازه اسلحه فروشی در جریان یک انقلاب یا شورش سیاسی، که جرم سیاسی خواهد بود. همچنین در قرارداد فرانسه و آلمان مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۵۱، جرم مرتبط این گونه تعریف شده است: «اعمال ارتکاب شده به منظور تدارک جرم سیاسی، یا برای اجرای آن با تضمین فایده آن، یا تدارک مصونیت از مجازات، یا انجام شده به منظور مقابله با تحقق جرم سیاسی، جرم مرتبط خواهند بود.» در این که این نوع جرم نیز ملحق به جرایم سیاسی است یا نه اختلاف نظر وجود دارد. در این رابطه قانون مجازات لبنان و سوریه به تبعیت از تصمیم موسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۹۲ که شرح آن گذاشت، با دو شرط جرایم مرتبط و مرکب را ملحق به جرایم سیاسی می‌داند. شرط اول آن که جرایم مورد نظر در زمره جنایاتی که نسبت به اخلاق و حق عمومی خطر شدید دارند (مثل قتل، ضرب و جرح شدید، تجاوز به املاک با آتش زدن و ..) نباشد. شرط دوم، این که در حال جنگ‌ها یا شورش‌های داخلی اتفاق بیفتد، مشروط بر این که با قوانین و مقررات جنگ در تعارض نبوده، از اعمال وحشیانه و تخریب نیز به دور باشد. چنان که ملاحظه می‌گردد، در این جا از ضابطه افکار عمومی و رعایت مقررات و عرف جنگی استفاده شده و از ضابطه عینی و ذهنی برای تشخیص سیاسی بودن جرم استفاده نشده است. قانون ایران نیز روش فوق را انتخاب نموده است. تاملی در برخی از جرایم ۱- تروریسم از زمان قتل پادشاه یوگسلاوی و رییس جمهوری فرانسه به نام بارتو در سال ۱۹۳۴، تروریسم مورد توجه قرار گرفت و دولت‌ها همکاری خود را برای مبارزه با چنین جرایمی آغاز نمودند. در اصطلاح حقوق بین‌الملل تروریسم دارای یک مفهوم و معنای خاص حقوقی نیست، بلکه مواردی از قبیل جرایم دولت علیه دیپلمات‌ها، علیه اشخاص مورد حمایت مثل شهروندان در زمان جنگ، علیه افراد در خدمت دولت‌ها، علیه هواپیماها و کشتی‌ها و .. را شامل می‌شود. عناصر تروریسم عبارتند از ترور، خشونتی که باعث ایجاد رعب و وحشت در بین مردم باشد و هدف سیاسی که مرتبط با قدرت است. تروریسم در قوانین اغلب کشورهای دنیا از جرایم عمومی تلقی شده است و مقررات سختی درباره تروریست‌ها به موقع اجرا گذشته می‌شود. در کنفرانس ۱۹۳۷ میلادی ژنو دو کنوانسیون به تصویب رسید کنوانسیون اول، مربوط به جلوگیری و مجازات بین‌المللی تروریسم بود. کنوانسیون دوم، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه و مجازات تروریسم پیش بینی کرد. البته در کنفرانس کپنهاگ در سال ۱۹۳۵ این مطلب به تصویب رسید که: «جرایمی که خطر عمومی، یا حالت ترس و وحشت ایجاد کند، جزء جرایم سیاسی محسوب نمی‌شود.» ۲- جرایم اجتماعی (آناشیسیم) از آن جا که در جرایم اجتماعی آثاری که از انگیزه مرتکبین آن به دست می‌آید، عمومی است و بر اساس این ادعا که برای منافع عموم مردم ارتکاب یافته، با جرایم سیاسی

شباهت دارد، ولی ویژگی جرایم اجتماعی آن است که با ارتکاب آن تشکیلات اجتماعی از بین می‌رود. اغلب کشورها چنین جرایمی را در زمره جرایم عمومی قرار می‌دهند و حتی مجازات‌های شدیدتری نسبت به این دسته از مجرمین اعمال می‌کنند. البته بعضی از کشورها جرایم سیاسی و اجتماعی را در یک طبقه‌بندی قرار می‌دهند، مثل قانون اساسی اسپانیا که از نظر استرداد کلیه مجرمین سیاسی و اجتماعی را در یک طبقه‌بندی قرار داده است. ۳- جرایم علیه امنیت خارجی کشور اگر چه تعریف‌های ارائه شده برای جرم سیاسی با جرایم علیه امنیت خارجی منطبق است، ولی از نظر انگیزه و هدف متفاوت بوده، شرافتمندانه و خیر خواهانه نیست. از نظر یکی از حقوقدانان، منطق سلیم حکم می‌کند که در خصوص این نوع جرایم سخت‌گیری شود، برای این که درباره کسی که مرتکب جرم جاسوسی یا خیانت به کشور می‌شود، اعتقاد احترام به مجرمان سیاسی وجود ندارد. افکار عمومی نیز با دیده انزجار و تنفر به این دسته از مجرمین می‌نگرند. بعضی‌ها استدلال کرده‌اند، اگر جرایمی مانند جاسوسی در قدیم علیه حکومت و کشور تلقی می‌شد، امروزه چنین جرایمی تجاوز و تعدی بر افراد و کل جامعه به حساب می‌آید. ۴- جرم محاربه و افساد فی الارض قانون مجازات اسلامی برای بعضی از جرایمی که دارای ماهیت سیاسی است (مثل جرایم علیه امنیت داخلی) عنوان محاربه اطلاق کرده، بعضی از آن‌ها را در حکم محاربه می‌داند، ولی نباید این مطلب را از نظر دور داشت که هیچ گونه شباهتی بین جرایم سیاسی و جرم محاربه وجود ندارد، چرا که اولاً، از ارکان محاربه آن است که برای ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت و آزادی مردم جامعه ارتکاب می‌یابد. ثانیاً، علیه مردم و نظم عمومی صورت می‌گیرد. در حالی که جرایم سیاسی علیه حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی ارتکاب می‌یابد. نکته سوم این که اگر ما عنوان «افساد فی الارض» را به عنوان تاکید محاربه فرض کنیم، هیچ شباهت و سازگاری با جرم سیاسی ندارند. چون جرم سیاسی با هدف اصلاح و خیر خواهانه ارتکاب می‌یابد. عده‌ای از فقهای اسلامی نیز زمانی که سخن از بغی را مطرح کرده‌اند، بر این معنا تاکید دارند که جرم بغی غیر از محاربه است و فرقی‌هایی نیز برای آن دو جرم مطرح کرده‌اند. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱. محارب از جهت فسق و عصیان و بدون هیچ مجوز شرعی قیام می‌کند، ولی باغی این چنین نیست. ۲. جرم بغی علیه حکومت و به خاطر برکناری و... حاکم جامعه انجام می‌گیرد، در حالی که محاربه برای گرفتن راه بر مردم، ایجاد رعب و وحشت بین عموم جامعه و .. می‌باشد. به عبارت دیگر انگیزه در جرم محاربه سرقت، راهزنی و امثال آن‌هاست، ولی انگیزه در جرم بغی اصلاح و نجات جامعه است. ۳. برای محارب کیفرهای شدیدی در نظر گرفته شده است، در حالی که در جرم بغی فقط در صورتی که شروع به جنگ از ناحیه خروج کنندگان باشد با آن‌ها جنگ می‌شود تا زمانی که تسلیم بشوند یا دست از جنگ بکشند. همچنین در جرم بغی رفتارهای ارفاق آمیز بسیاری بر خلاف محاربه وجود دارد. ۴. اگر در بغی و در حال درگیری جرایم متناسب با جنگ و درگیری توسط باغیان صورت گیرد، به عقیده بعضی از فقهای اسلامی نسبت به آن‌ها مبرا از مسئولیت هستند، برای مثال اگر در حال جنگ کسی را به قتل برسانند، قصاص نخواهند شد. نتیجه این که

قانونگذار باید عنوان محاربه را از بعضی از جرایم برداشته و مجازات‌های دیگری را که خفیف‌تر است، پیش‌بینی نماید. ب. استثنائات جرم سیاسی همان‌طور که می‌دانیم، مجرم سیاسی به لحاظ نفع شخصی مرتکب جرم نشده، به نظر خود، بر اساس نفع و مصلحت عمومی، عملی را مرتکب می‌شود که از لحاظ قانون جرم و قابل مجازات است. با این بیان، بعضی از جرایم دارای خصوصیت‌ها و ویژگی‌هایی هستند که با این هدف و انگیزه همسویی ندارند، لذا قوانین بعضی از کشورها تعدادی از جرایم را ولو این که با انگیزه سیاسی باشد و تعریف جرم سیاسی شامل آن بشود، از عداد جرایم سیاسی استثنا کرده‌اند. برای این که مصالحی که در اثر این نوع جرایم تهدید و مورد تعدی قرار می‌گیرد، دارای اهمیت بیش‌تری از آن اهدافی است که در جرم سیاسی دنبال می‌شود، مثل قتل، ضرب و جرح شدید، آتش زدن، نهب و غارت و امثال این موارد که خطر زیادی برای انسان‌ها و جوامع بشری دارد. لایحه‌های پیشنهادی مربوط به مقررات جرایم سیاسی در ایران تعدادی از جرایم را استثنا نموده‌اند. ماده ۳ پیش‌نویس تهیه شده در معاونت پارلمانی وزارت دادگستری مقرر می‌دارد: هیچ یک از جرایم مشروحه ذیل همچنین سایر جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور، مذکور در قوانین جزایی جرم سیاسی محسوب نمی‌گردد هر چند با انگیزه سیاسی و به قصد تدارک جرم سیاسی یا تضمین منافع آن و یا تسهیل وقوع آن تحقق یافته باشد: الف. آدم ربایی، گروگانگیری و بازداشت غیر قانونی اشخاص ب. بمب گذاری و تهدید به آن ج. سرقت، آتش زدن، تخریب، خرابکاری و اتلاف عمده‌ی اموال ه. غارت و تجاوز و تعدی به اموال عمومی و . تحریک مردم به درگیری و جنگ با یکدیگر ز. قاچاق، تهیه، خرید و فروش، نگهداری و حمل سلاح و مهمات ج. جاسوسی و افشای اسرار سیاسی و نظامی کشور به نفع بیگانه همچنین لایحه پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی در مورد جرم سیاسی نیز شبیه ماده فوق‌موردی را از عداد جرم سیاسی استثنا کرده‌اند. مبانی اعمال رژیم ارفاقی در جرایم سیاسی جرایم سیاسی تفاوت‌هایی از قبیل ماهیت، آثار، شیوه دادرسی و مجازات، با جرایم عادی دارند. در این بخش از نظر آثار جرم سیاسی از قبیل امتیازات جرم سیاسی در مراحل سه گانه قبل از محاکمه، حین محاکمه، بعد از محاکمه و زمان تحمل مجازات و همچنین اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی و محاکم رسیدگی کننده، هیات منصفه و مجازات مجرمین سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. همه سعی و کوشش برای تشخیص و تمییز جرایم سیاسی از جرایم عادی برای همین مواردی است که در این بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم. در دوران‌های باستان تا اوایل قرن نوزدهم مجرمین سیاسی در شیوه دادرسی و تحمل مجازات، از امتیازاتی برخوردار نبودند و شدیدترین مجازات‌ها و بدترین شیوه‌های رسیدگی درباره این دسته از مجرمین اعمال می‌شد، مثلاً در این دوران شهادت کسانی که در جرایم دیگر پذیرفته نمی‌شد، برای اثبات جرایم سیاسی مسموع بود، اما از اوایل قرن نوزدهم به بعد رفتارهای ارفاق آمیزی از قبیل حذف مجازات اعدام، حضور هیات منصفه در دادرسی و .. در جرایم سیاسی پیش‌بینی شد، اما این‌ها نیز بعد از جنگ‌های بین‌المللی اول و دوم از بین رفت و خشونت قبلی جای آن را گرفت، ولی همواره در نوشته‌های حقوقی تاکید

گردید، بر این که نسبت به جرایم سیاسی با ارفاق برخورد شود. مبانی و دلایلی که در مورد ضرورت برخورد ارفاق آمیز با مجرمان سیاسی ارائه شده به طور خلاصه به شرح زیر است: ۱. ارتکاب جرایم سیاسی برای هدف شخصی و آرزوهای پست و جلب منافع مادی نمی‌باشد، بلکه آنچه که در جرایم سیاسی مدنظر است، آرمان برتر و اهداف و منافع اجتماعی می‌باشد. این آرمان و اهداف بزرگ به گمان مرتکب ممکن است، نجات عقیده یا وطن یا استقرار عدالت و امثال این‌ها باشد. به عبارت دیگر گاهی آن چنان انگیزه و اهداف به زعم مرتکب بدون در نظر گرفتن منافع و مطامع شخصی و پست و مقام است که حاضر می‌شود، جان خود را فدای هدف و مطلوب خویش سازد. شاید یکی از دلایل اساسی و مهم نحوه برخورد ارفاق آمیز، همین مساله از خصوصیات جرم سیاسی باشد. در زمانی که ابوذر غفاری به ربنده تبعید می‌شد، حضرت علی (ع) به ایشان فرمودند: «یا اباذر انک غضبت الله، فارح من غضبت له ... تو به خاطر خداوند غضبناک شدی، پس به همان کسی که برایش خشمگین شدی امیدوار باش.» ۲. افکار عمومی با مجرمین سیاسی، که دارای انگیزه شرافتمندانه‌ای هستند و قصد اصلاح دارند و پایبند به منافع شخصی و مصالح و مزایای گروهی نیستند، با چشم اغماض و حتی گاهی با دیده تشویق می‌نگرند، ولی کسانی که برای تحصیل منافع شخصی و پست مرتکب جرمی می‌شوند با دیده تنفر و انزجار نظر می‌کنند. ۳. بعضی از حقوقدانان معتقدند این رفتار ارفاق آمیز نتیجه عقاید آزادی خواهانه دانشمندانی مانند گیزو است که افکار وی در کتاب مجازات اعدام در مسائل سیاسی (سال ۱۸۲۲ م) آمده بود و لامارتین در سال ۱۸۴۸ میلادی از این عقیده و نظریه به شدت حمایت کرد و این امر باعث شد که اعدام در مسائل سیاسی لغو شود و اولین اثر آن، در قانون اساسی سال ۱۸۴۸ میلادی فرانسه است که اعدام را از زمره مجازات مجرمین سیاسی حذف کردند. ۴. عده‌ای دیگر علت تفکیک جرایم سیاسی از جرایم عمومی و همچنین ملایمت و نرمش نسبت به آن‌ها را در تحولات و انقلاب‌های پی در پی سال‌های ۱۸۳۰ میلادی و بعد از آن می‌دانند. در آن زمان پس از انقلاب فرانسه نظام‌های سیاسی جهان به مرور تغییر پیدا می‌کردند و در همین اوضاع و احوال قانونگذاران نسبت به مجرمین سیاسی تلقی دیگری داشتند، این موضوع بعد از جنگ‌های جهانی و به وجود آمدن دولت‌های سلطه‌گر یا صرفاً نامی از جرم سیاسی در تاریخ حقوق باقی ماند یا در کشورهایمانند شوروی سابق و اکثریت قریب به اتفاق کشورهای کمونیستی جرم سیاسی و جرایم مربوط به امنیت داخلی از خطرناک‌ترین جرایم به حساب آمد و شدیدترین مجازات‌ها نسبت به آن به اجرا در آمد. در حقوق اسلام نیز می‌توان رفتارهای بزرگان دین خصوصاً امام علی (ع) را در برخورد با مجرمین سیاسی دلیلی بر رفتار ارفاق آمیز دانست. سیره عملی حضرت علی (ع) در جریان برخورد با بغات این بود که ابتدا تمام راه‌های مسالمت آمیز و صلح جویانه را طی می‌کرد و از مجازات قتل و جنگ به عنوان آخرین حربه استفاده می‌کردند، حتی در حال جنگ و درگیری زمانی که عده‌ای فرار می‌کنند، آنان را تعقیب نمی‌کند و اسیران آن‌ها را نیز آزاد می‌کند. آثار جرم سیاسی امتیازات متهمین و مجرمین سیاسی از دیدگاه حقوق داخلی بعد از آن که جرایم سیاسی از جرایم عمومی تفکیک

گردید، مجرمین از نوع جرایم خاص دارای امتیازاتی خواهند بود که در قوانین بعضی از کشورها بدان اشاره گردیده است امتیازات مجرمین سیاسی را می‌توان در سه مرحله مورد بحث و بررسی قرار داد: گفتار اول، امتیازات متهمین سیاسی در مرحله تحقیقات گفتار دوم: امتیازات متهمین سیاسی در مرحله دادرسی گفتار سوم: امتیازات مجرمین سیاسی بعد از دادرسی و تحمل دوران محکومیت گفتار اول: امتیازات متهمین سیاسی در مرحله تحقیقات با توجه به مباحثی که در مقدمه بدان اشاره شد مبنی بر این که دلایل متعددی از لحاظ سیاسی و اجتماعی، دلایل جامعه‌شناسی و کیفر شناسی ارائه گردیده است تا رویه ارفاق آمیز و برخورد مناسب با متهمان و محکومان سیاسی انجام گیرد. البته این برخورد از نظر مقایسه با متهمین و محکومان جرایم عادی ارفاق آمیز خواهد بود. امتیازات مربوط به مرحله قبل از دادرسی و محاکمه می‌توان به موضوعاتی از قبیل دستگیر کردن متهم، بازداشت موقت وی، حضور در بازداشتگاه و مسائلی از این قبیل اشاره نمود. بعضی از قوانین و همچنین حقوقدانان برای مجرم سیاسی در این مرحله در نظر گرفتن امتیازاتی را لازم می‌دانند. بازداشت متهمین سیاسی بازداشت موقت (حبس احتیاطی) نوعی از اجزای تحقق جنایی است که قانونگذار تحت شرایطی تجویز کرده است تا متهمین به جرم را دستگیر و با ارائه دلایل کافی به محکمه صالح برای رسیدگی تحویل دهند.^[۲۹] بازداشت متهمین به خاطر جلوگیری از فرار احتمالی، از بین بردن ادله و مدارک جرم، حفظ نظم و آرامش جامعه و افکار عمومی انجام می‌گیرد. با توجه به این که در این مرحله هنوز مجرم بودن شخص مشخص نشده است، لازم است مکان و محل آن از محل اسکان محکومین و مجرمین جدا باشد. بعضی از حقوقدانان می‌گویند، بازداشت و حبس احتیاطی متهمین به جرم سیاسی دارای امتیازاتی است که مجرمین عادی از آن برخوردار نیستند، ولی سخنی از امتیازات به میان نیاورده است، اما بعضی از نویسندگان تصریح کرده‌اند که در مرحله تحقیق بازداشت موقت متهم سیاسی ممنوع است و این مساله را یکی از امتیازات مجرمین سیاسی می‌داند. ب: نحوه دستگیری متهمین سیاسی در این مرحله ضابطین دادگستری حق دستبند زدن به متهم سیاسی را ندارند. ماده ۲۸ پیش نویس لایحه پیشنهادی تعریف جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن‌ها در محاکم دادگستری که در کمیسیون حقوق بشر اسلامی تهیه گردیده است مقرر می‌دارد، دستبند زدن به متهمان و محکومان سیاسی ممنوع است. ج: بازداشتگاه متهمین سیاسی همان طور که در مسائل مربوط به زندانیان طبق تصریح بعضی از حقوقدانان و همچنین بعضی از قوانین، بازداشتگاه و محل اسکان متهمین باید محلی جدا از محل بازداشت محکومین عادی باشد. یکی از حقوقدانان تصریح می‌کند که مقرراتی که در بازداشتگاه مجرمین سیاسی حاکم است، ارفاق آمیزتر از مجرمین عادی است، مثل این که ملاقات‌های زندانیان سیاسی با افراد بیرون از زندان مقید و مشروط به شرطی نیست. همچنین می‌توانند از بیرون از هر نوع غذا، کتب و مجلات استفاده کنند، همچنین می‌توانند مقالاتی بنویسند و در نشریات منتشر کنند. در واقع همان مسائلی که در مورد بازداشت متهمین عادی مورد التفات است، درباره متهمین سیاسی با تاکید و ارفاق بیش‌تری اعمال می‌شود. همچنین ماده ۲۵

پیش نویس پیشنهادی لایحه تعریف مجرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن در محاکم دادگستری که در کمیسیون حقوق بشر تدوین شده مقرر می‌دارد: «محل نگهداری متهمان و محکومان سیاسی از مجرمان عادی مجزا خواهد بود و نگهداری آن‌ها در زندان‌های انفرادی مطلقاً ممنوع است.» عدم اجرای آیین دادرسی جرم مشهود در مرحله تعقیب و بازپرسی متهمین سیاسی در بعضی از کشورها در خصوص مجرمین سیاسی، آیین دادرسی جرم مشهود پیاده نمی‌شود. ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مانند بسیاری از کشورها قواعد خاصی را برای جرایم مشهود پیش بینی کرده است. طبق ماده ۲۳ ق. آ. د. ک. وظایف ضابطین دادگستری در جرایم مشهود عبارتند از: الف. هر اقدامی که برای حفظ آلات و ادوات جرم و آثار و علائم آن لازم باشد. ب. هر اقدامی که برای جلوگیری از فرار و اختفای متهم لازم باشد ج. هر اقدامی که مانع از تبانی شهود گردد د. انجام هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم باشد. گفتار دوم: امتیازات متهمین سیاسی در مرحله دادرسی امتیازات متهمین سیاسی در مرحله دادرسی در دو امر مهم خلاصه می‌شود: الف. حضور هیات منصفه در جلسه دادرسی بر اساس تصریح اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی مشروطیت و اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محاکمه مجرمین سیاسی با حضور هیات منصفه خواهد بود. حضور هیأت منصفه در جلسه محاکمه دادرسی در واقع وجود نماینده افکار عمومی جامعه در جلسه دادگاه است. وجود این تاسیس حقوقی در محاکمات مجرمین سیاسی ضمانت اجرایی خواهد بود، در برابر حاکمان جامعه که نتوانند با تاثیر گذاری در محاکمه و قضاوت دادگستری زمینه‌های سخت‌گیری و برخورد شدید نسبت به مجرمین سیاسی را فراهم نمایند. به نظر یکی از حقوقدانان حضور هیات منصفه در نتیجه اطمینانی برای جلوگیری از تعرض به حقوق متهمان است، در نظام‌های حقوقی کامن لا در تمام محاکمات هیات منصفه حضور دارد، ولی در خصوص مجرمین سیاسی فلسفه حضور هیات منصفه تشدید می‌شود. ب: رسیدگی علنی محاکمات سیاسی یکی از امتیازات دادرسی‌های مجرمین سیاسی، محاکمه آن‌ها به صورت علنی است. یکی از ابداعات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ همین مساله علنی بودن دادرسی مجرمین سیاسی است که در متمم قانون اساسی مشروطیت به چشم نمی‌خورد. علنی بودن رسیدگی به خاطر آن است که محاکمه مجرمین سیاسی به طور آشکار در انظار عمومی و به دور از سانسور و مخفی‌کاری برگزار گردد تا این که از تصمیم‌گیری‌های پنهانی که از دید مردم و مطبوعات و رسانه‌ها به دور است، اجتناب شود. حال با توجه به موضوع جرم سیاسی ذیلاً به فواید دادرسی علنی و همچنین اصل علنی بودن دادرسی در حقوق اسلام اشاره می‌شود. ۱. فواید دادرسی علنی ۱-۱. علنی بودن دادرسی موجب می‌شود، همه کسانی که نسبت به موضوع محاکمه توجهی دارند، در دادگاه حضور یافته، از نحوه دادرسی و از حسن جریان آن و بی‌طرفی قضات آگاهی یابند و در محاکماتی که دارای جنبه عمومی است، رسانه‌ها و مطبوعات، مردم و افکار عمومی را در جریان دادرسی قرار دهند. ۱-۲. در صورتی که محاکمات به صورت علنی برگزار گردد. رعایت حقوق و آزادی قانونی و طبیعی مقرر برای متهمان یا

اشخاصی که مورد دادرسی‌های سیاسی قرار دارند، به نحو اکمل تضمین و تأمین خواهد شد، چرا که قاضی همواره خود را در معرض دید دیگران می‌بیند و سعی می‌کند، اصول و مقررات را به طور کامل رعایت نماید و نمی‌تواند به صورت آشکار حقوق متهم را زیر پا بگذارد در نتیجه عدالت کیفری برای تأمین حقوق متهم تحقق خواهد یافت. ۱-۳. فایده و اثر مثبت دیگر علنی بودن دادرسی آن است که حقوقدانان، قضات و وکلای دیگر، شاهد و ناظر دادرسی دادگاه هستند و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، لذا قاضی رسیدگی کننده سعی دارد، از اشتباه در تصمیم‌گیری و تشخیص اجتناب نماید. به عبارت دیگر یکی از عوامل در تقویت و استحکام احکام صادره از دادگاه‌ها، محاکمه به صورت علنی است. با توجه به فواید ذکر شده اصل علنی بودن محاکمات مثل سایر اصول مهم دیگر دادرسی‌های کیفری هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی پیش بینی شده است. اصل علنی بودن دادرسی را اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی و مواد ۲۴۱ و ۳۲۷ ق. آ. د. ک. پیش بینی کرده‌اند. اصل ۷۶ متمم قانون اساسی مشروطیت به طور کلی اصل علنی بودن دادرسی را مطرح کرده بود و اصل ۷۷ قانون مزبور مقررات می‌داشت در صورتی که اعضای محاکمه تصویت کنند، محاکمات تقصیرات سیاسی، غیر علنی خواهد بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به موجب اصل یکصد و شصت و هشتم، باید رسیدگی به جرایم سیاسی علنی باشد. سوال مهمی که به ذهن می‌آید این است که با توجه به این که اصل در محاکمات علنی بودن است و به این موضوع در اصل یکصد و شصت و پنجم تصریح شده است، چه نیازی بود که در اصل مربوط به جرایم سیاسی مجدداً علنی بودن را تکرار کند؟ قبل از پاسخ تذکر این نکته لازم است که یکی از نوآوری قانون اساسی سال ۱۳۸۵ تصریح به علنی بودن محاکمات سیاسی است که در قانون اساسی مشروطه این موضوع نیامده بود. اما پاسخ سوال آن است که موضوع اصل ۱۶۸ آمره بوده و هیچ شرایطی امکان برگزاری غیر علنی محاکمات سیاسی وجود ندارد. حتی اگر جمیع اعضای محکمه موافق باغیر علنی بودن باشند. یکی از اعضای خبرگان تصویب نهایی قانون اساسی در سال ۱۳۸۵ در مورد این اشکال که با توجه به این که در اصل ۱۶۵ علنی بودن آمده، در این جا نیازی به قید مجدد ندارد، می‌گوید: «آن را (اصل ۱۶۵) می‌شود مخفی اعلام کرد، ولی این را (اصل ۱۶۷) نمی‌شود.» حال ممکن است برخی از دادرسی‌های مجرمین سیاسی به صورت علنی، موجب اختلال در نظم عمومی گردد، یا عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، ولی از آنجا که در جرایم سیاسی دولت به عنوان یک طرف، ذی نفع است، علنی بودن الزامی این نوع محاکمات باعث دفع آثار و تبعات سوء این مساله خواهد بود، چرا که اختلال در نظم عمومی و جریحه‌دار شدن عفت عمومی احتمالی است، ولی احتمال وجود مفسده بزرگ‌تر که دخالت دولت در محاکمات سیاسی باشد، قوی‌تر است. لذا قانون اساسی هیچ راهی را برای برگزاری غیر علنی محاکمات سیاسی پیش بینی نکرده است. البته این موضوع در ذهن اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بوده است، لذا یکی از اعضای مجلس مذکور می‌گوید: «علنی بودن محاکمات سیاسی گاهی به ضرر مملکت است، مثلاً ممکن است خدای ناکرده شخصی یکی از اسرار مملکت را برای یک کشور

خارجی آشکار کرده باشد که در این صورت اگر محاکمه او علنی باشد، بیش‌تر به ضرر مملکت تمام می‌شود ...» نایب رئیس جلسه مزبور در جواب ایشان می‌گوید: «این جرم سیاسی نیست، جنایی است.» البته در اکثر کشورها نیز جرایم علیه امنیت خارجی، از زمره جرایم سیاسی استثنا شده و از رژیم ارفاقی برخوردار نیست. محاکمات علنی در حقوق اسلام از نظر حقوق اسلام نیز بهتر است محاکمات به صورت علنی انجام شود. بعضی از فقها به این مطلب اشاره کرده‌اند، صاحب جواهر الکلام می‌فرماید: «و ما آداب المکروهه فیهی أن یتخذ حاجباً وقت القضاء و نحوه ...» فقهای دیگر نیز در خصوص علنی بودن محاکمات اشاراتی دارند. [۳۴] حقوق اسلام در این موارد تاکید دارد که قضاوت‌ها تحت کنترل افراد اهل فن و افکار عمومی قرار گیرد تا این که هر جا خطایی از قاضی سر زد، به وی گوشزد نمایند و قاضی نیز گرچه مجتهد و عادل باشد، باز هم ممکن است، احتمال خطا و اشتباه از وی وجود داشته باشد، علاوه بر این که بهترین راه برای دفع تهمت از دستگاه قضایی و مضمون ماندن قضات از اشتباه قرار دادن قضاوت در معرض دید و مشاهده دیگران است. همچنین متهم نیز برای دفاع از حقوق خود از پشتوانه نظارتی مردم استفاده می‌کند. نتیجه این که دستور علنی بودن محاکمات سیاسی در اصل یکصد و شصت و هشتم، از قواعد آمره است که در هیچ شرایطی قابل تعطیل شدن و برخلاف آن عمل کردن، نیست. نتیجه دیگر این که این قاعده آمره به خاطر آن است که چون دولت در جرایم سیاسی به عنوان طرف مجرم مطرح می‌شود، نتواند با اعمال نفوذ نسبت به قضات و دادگاه‌هایی که به نحوی وابسته به دولت هستند، حقی از مجرمین سیاسی را پایمال سازد. گفتار سوم: امتیازات مجرمین سیاسی بعد از دادرسی و تحمل دوران محکومیت مجرمین سیاسی در زمان تحمل مجازات و بعد از آن، از امتیازاتی برخوردارند که در این قسمت از بحث به آن‌ها اشاره خواهیم کرد: الف: گذراندن دوران محکومیت در زندان به طور کلی زندان و حبس یکی از مجازات‌هایی است که در قوانین تمام کشورها پیش بینی شده، از لحاظ کیفرشناسی عقاید متفاوتی نسبت به آن وجود دارد، لذا بر اساس همان دلایل لزوم ارفاق نسبت به مرتکبین جرایم سیاسی، مجرمین سیاسی برای گذراندن دوران محکومیت به حبس در زندان، دارای امتیازاتی هستند که مجرمین عادی از آن، برخوردار نیستند مانند ملاقات بدون قید و شرط با افراد بیرون، استفاده کردن از غذای خارج زندان و استفاده کردن از کتب و مجلات، نوشتن مقالات و انتشار آن‌ها در روزنامه‌ها و غیره. یکی از حقوق دانان مزایای زندانیان سیاسی را به شرح ذیل برشمرده است: ا: محکومین به جرایم سیاسی از پوشیدن لباس زندان معاف هستند. ب: از رژیم غذایی مخصوص استفاده می‌کنند. ج: در محوطه زندان می‌توانند طبق برنامه گردش و هواخوری کنند. د: محکومین سیاسی ملزم به کار کردن نمی‌باشند. ه: مکاتبه و ملاقات زندانیان سیاسی بیش از سایر محکومین است. و: محکومین سیاسی که در مورد آنها روش مخصوص اجرا می‌شود می‌توانند از کتابهای کتابخانه زندان برای مطالعه استفاده نمایند. همچنین ماده یک قانون راجع به وادار نمودن محبوسین غیر سیاسی به کار مصوب ۱۳۱۴ مقرر می‌داشت: «اشخاصی که در نتیجه ارتکاب جرایم عادی (غیرسیاسی) محکوم به حبس شده اند

یا بشوند و ... ممکن است نسبت به بقیه مدت حبس در مؤسسات فلاحی یا صنعتی وادار به کار و تحت حفاظت قرار داده شوند، به شرایط ذیل...» اما در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ اشاره ای به اشتغال به کار محکومین سیاسی شده است. تبصره ۳ ماده ۳۷ قانون مزبور مقرر می داشت: «ترتیب رسیدگی و نحوه احراز شرایط مذکور در فوق نسبت به محکومین جرایم عادی و همچنین چگونگی اشتغال به کار محکومین دادگاه های نظامی و محکومین جرایم سیاسی و نیز کیفیت پرداخت اجرت و طریقه ی محافظت و مراقبت از مجرمین مشغول به کار مطابق آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی قضایی به تصویب وزیران دفاع، کشور و دادگستری جمهوری اسلامی خواهد رسید.» همچنین جداسازی زندانیان سیاسی از زندانیان عادی در اکثر کشورهای دنیا پیش بینی شده است البته شاید برداشت از این موضوع می تواند این باشد که حاکمان کشورها برای مصالح و منافع خودشان این جداسازی را ضروری می دانند و به عبارت دیگر به خاطر جلوگیری از نفوذ روحیات و افکار زندانیان سیاسی به دیگر زندانیان که باعث بدبین شدن آنها نسبت به حکومت می شود، زندانیان سیاسی را جدا حبس می کنند. لذا کشورهایی که رژیم ارفاقی را قبول نداشته و نسبت به مجرمین سیاسی به شدت برخورد می کنند نیز این مسأله را پذیرفته جدا کردن زندانیان سیاسی را از زندانیان عادی ضروری می دانند. در حقوق ایران در حال حاضر قانونی در این خصوص وجود ندارد، ولی پیش نویس پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی در مورد جرایم سیاسی مواردی را در مورد گذراندن دوران محکومیت مجرمین سیاسی در زندان اختصاص داده است. موارد مورد نظر عبارتند از: ماده ۲۵: «محل نگهداری متهمان و محکومان سیاسی از مجرمان عادی مجزا خواهد بود و نگهداری آنها در زندانهای انفرادی مطلقاً ممنوع است» ماده ۲۶: «زندانین سیاسی را نمی توان به هیچ وجه در طول مدت محکومیت به کار کردن وادار و یا به پوشیدن لباس زندان موظف نمود.» ماده ۲۷: «زندانین سیاسی می توانند در چند نوبت در هفته خویشان و بستگان و آشنایان خود را بدون حضور نگهبان ملاقات و یا با آنها مکاتبه کنند.» ب. مجازات های تبعی و تکمیلی در قانون مجازات عمومی سابق، قانونگذار برای مجرمین سیاسی مجازات های تبعی و تکمیلی پیش بینی کرده بود. ماده ۱۵ و ۱۹ و تبصره ۱ آن، شامل محکومین سیاسی نیز می شد. ماده ۱۹ مقرر می داشت: «هر کسی به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به حبس جنایی محکوم شود با مجازات اعدام او در نتیجه عفو به حبس جنایی تبدیل گردد، تبعاً از کلبه حقوق اجتماعی محروم خواهد شد...» همچنین در ماده ۲۲ پیش نویس لایحه پیشنهادی حقوق بشر در مورد جرایم سیاسی مقرر می دارد: «در جرایم سیاسی صدور حکم محکومیت به مجازات های تتمیمی.. جایز نیست.» ج - مجازات های بدنی (ترهیبی) در قوانین بعضی از کشورها که مجازات جرم سیاسی را به طور جداگانه مطرح کرده اند، هیچ نامی از مجازات های بدنی به میان نیامده است. البته در بعضی کشورها اساساً مجازات بدنی را در مورد کلیه جرایم حذف کرده اند و آن را خلاف اصول حقوق بشر می دانند. قوانین کشورهایی مانند لبنان و سوریه نیز وقتی مجازات های جرایم سیاسی (اعم از جنحه و

جنایت) را می‌شمارند، سخنی از مجازات‌های بدنی به میان نیاورده‌اند. پیش نویس لایحه پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی در مورد جرایم سیاسی نیز به این مطلب تصریح دارد که محکومیت به مجازات‌های بدنی در مورد جرایم سیاسی ممنوع است. ماده ۲۲ لایحه مذکور مقرر می‌دارد: «در جرایم سیاسی صدور حکم محکومیت به مجازات‌های .. و بدنی جایز نیست» د. تکرار جرم تکرار جرم یکی از عواملی است که باعث تشدید مجازات محکومین خواهد شد، ولی در اکثر کشورهایی که جرم سیاسی را مشمول رژیم ارفاقی می‌دانند، تکرار جرم سیاسی را باعث مشدد شدن کیفر نمی‌دانند و این مساله شاید بدان علت باشد که مجرم سیاسی اعتقادی به مجرمانه بودن عمل خویش ندارد تا اعمال مجازات باعث جلوگیری وی از ارتکاب جرم در آینده باشد و این با مجرمان عادی متفاوت است با این که اعتقاد به مجرمانه بودن عمل خود دارند، مجدداً آن را مرتکب می‌شوند. در نتیجه مجرمین سیاسی مستحق تشدید مجازات نیستند. در قانون مجازات عمومی سابق نیز این مساله پیش بینی شده بود، ماده ۲۶ مقرر می‌داشت: «احکام تکرار جرم درباره اشخاصی که به علت ارتکاب جرم سیاسی محکوم شده‌اند، جاری نخواهد شد.» ولی این موضوع که در قانون مجازات اسلامی بعد از انقلاب حذف گردیده است، شاید بدان علت باشد که بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی باید مقررات جدیدی بر اساس موازین اسلامی در مورد جرم سیاسی وضع گردد، چنان که این موضوع از نظر افرادی که در کمیسیون حقوق بشر اسلامی پیش نویس لایحه پیشنهادی مربوط به جرایم سیاسی را تهیه کرده‌اند، مخفی نمانده و در ماده ۳۳ لایحه مزبور آمده است: «احکام تکرار جرم درباره اشخاصی که به اتهام جرایم سیاسی محکوم شده‌اند، جاری نخواهد بود.» ش: اعاده حیثیت اعاده حیثیت عبارت است از: «حذف محکومیت جزایی محکوم علیه از سجل جزایی او به منظور رفع بعضی محرومیت‌ها که وی به عنوان مجازات تبعی بدان‌ها محکوم شده است.» وقتی که مجرم با تحمل مجازات، مکافات عمل خود را پس می‌دهد، باید بتواند دوباره مانند افراد دیگر جامعه بدون آن که مورد تبعیض و بی‌توجهی قرار گیرد، به زندگی خود، ادامه دهد، به خاطر همین موضوع در حقوق کشورها نهادی به نام (اعاده حیثیت) پیش بینی شده است. برای رسیدن محکوم به اعاده حیثیت شرایطی معتبر است که از جمله آن، گذشتن مدت معینی از اتمام مجازات است، در خصوص این شرط که باید مدت معینی از پایان تحمل مجازات سپری شده باشد، بین جرایم سیاسی و عمومی تمایزی وجود دارد، از این نظر نیز محکومیت سیاسی دارای مزیتی نسبت به محکومیت عادی می‌باشد. مدت زمان لازم برای اعاده حیثیت مجرمین سیاسی کمتر از مرتکبین جرایم عمومی است. به موجب قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ در مورد جرایم سیاسی، کسانی که به مجازات‌های جنبه‌ای محکوم می‌شدند، ظرف یک سال و کسانی که به مجازات جنایی محکوم می‌شدند، ظرف پنج سال از تاریخ اتمام مجازات حبس به اعاده حیثیت نائل می‌شدند، مگر این که در قانون به ترتیب دیگری مقرر شده بود. این مزیت در قانون مجازات اسلامی حذف شده است. در حال حاضر از نظر قوانین فعلی موردی در این خصوص پیش بینی نگردیده است. ح: عفو محکومین عفو

محکومین یکی از موارد سقوط مجازات است، عفو وسیله‌ای است، برای اعلام گذشت و ابراز محبت و رأفت قانونگذار یا رئیس حکومت، به منظور تعدیل احکام شدید کیفری نسبت به مقصری که به حکم لازم الاجرا محکوم شده است و مجازات را از بین می‌برد. البته ممکن است، مرتکب بخشی از مجازات را متحمل شده باشد یا این که بالافاصله بعد از صدور حکم قطعی مورد عفو قرار گیرد. عفو به دو صورت عمومی و خصوصی متصور است، عفو عمومی را قوه مقننه پیش‌بینی می‌کند، ولی عفو خصوصی در حقوق ایران با پیشنهاد عفو توسط رئیس قوه قضاییه به مقام رهبری انجام می‌شود. عفو مجرم سیاسی در واقع اظهار حسن نیت از طرف حکومت است تا به مجرم سیاسی گفته شود که حکومت عناد شخصی با او ندارد، لذا در قوانین بعضی از کشورها مجرمین سیاسی بیش‌تر مشمول عفو قرار می‌گیرند. در خصوص عفو خصوصی محکومین سیاسی قانون مجازات عمومی، اصلاحی ۱۳۵۲ مواردی را پیش‌بینی کرده بود ماده ۵۶ قانون مزبور مقرر می‌داشت: «در مورد جرایم سیاسی تمام یا قسمتی از مجازات و در سایر جرایم مجازات محکومین به حکم قطعی به ترتیب زیر ممکن است، مورد عفو ملوکانه قرار گیرد... تبصره: در جرایم سیاسی عفو ملوکانه ممکن است، شامل مجازات تبعی و تکمیلی هم باشد ولی در سایر جرایم فقط مجازات اصلی مورد عفو قرار می‌گیرد.» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی که مربوط به محکومان قبل از انقلاب می‌شد، در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۸ به تصویب رسید که به موجب آن، محکومیت کلیه کسانی که به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۵۷/۱۱/۱۶ محکوم شده بودند، مورد عفو قرار گرفتند. اما در حال حاضر عفو محکومان سیاسی تفاوتی با محکومان عادی ندارد و مقررات خاصی در این رابطه نداریم. به عبارت دیگر این موضوع بر می‌گردد به این که ما قانون مدونی در خصوص جرم سیاسی نداریم تا بتوانیم در این زمینه اظهار نظر نماییم. امتیاز مجرمین سیاسی از دیدگاه حقوق جزای بین الملل (اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی) موضوع استرداد مجرمین یکی از موضوعاتی است که دولت‌ها برای همکاری و تعاون با یکدیگر برای مبارزه با جرایم و اجرای هر چه بیش‌تر عدالت کیفری پیش‌بینی کرده‌اند. البته در آغاز پیدایش این نهاد حقوقی که به دوران بسیار دور بر می‌گردد، این گونه اهداف دنبال نمی‌شد، ولی امروزه برای تحقق اهداف حقوق جزا بین کشورها این نهاد به وجود آمده است. از طرفی نیز یکی از مباحث مهم حقوق استرداد مجرمین، اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی که معروف به اصل پناه سیاسی است می‌باشد، امروزه در اکثریت قراردادهای بین‌المللی در مورد مجرمین مساله استرداد و به ویژه عدم استرداد مجرمان سیاسی گنجانده شده است. تعریف استرداد مجرمین استرداد در لغت به معنای درخواست بازگردانیدن، باز پس خواستن داده، باز ستاندن و پس گرفتن آمده است. تعریف استرداد در اصطلاح علم حقوق، در قوانین نیامده است، ولی باید متذکر شد که معنای لغوی و اصطلاحی آن از هم بیگانه نبوده، و تقریباً به یک معناست. در حقوق تعریف استرداد بدین شرح آمده است: «باز پس گرفتن مجرم که از کشوری به کشور دیگر گریخته، به وسیله دولت تعقیب کننده از دولتی که

مجرم به آنجا گریخته است. این عمل مسبوق به توافق و قرارداد دو دولت است.» همچنین حقوقدانان معروف، دون دیودوابرز در تعریف استرداد مجرمین می‌نویسد: «استرداد عبارت است از عملی که به وسیله آن یک دولت شخصی را به دولت دیگر تسلیم می‌کند، برای این که محاکمه شود و یا در صورت محکومیت حکم درباره‌اش اجرا شود.» مبانی اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی: همانطور که اشاره شد امروزه استثنای مجرمین سیاسی از قاعده استرداد مورد پذیرش اکثر کشورهای جهان قرار گرفته است و از تسلیم این دسته از مجرمین به دولت متقاضی خودداری می‌شود. اندیشه مندان حقوقی برای توجیه غیر قابل استرداد بودن مجرمین سیاسی دلایل و مستندات را ذکر کرده اند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود: ۱- جرایم سیاسی غالباً جنبه ملی دارند چرا که این نوع جرایم علیه تشکیلات سیاسی دولت مشخصی صورت می‌گیرد و نظم عمومی بین المللی یا حیث عمومی بشر یا حقوق طبیعی و فطری انسانها را مخدوش و مختل نمی‌کند و نوعاً مجرم سیاسی به جز محدوده کشور خود در هیچ نقطه‌ی دیگر خطری برای بشریت و انسانها ندارد و نظم مستقر در جوامع دیگر را مختل نمی‌سازد برخلاف مجرمین عادی که چون اعمال آنها از نظر ماهیت بر ضد منافع شخصی و خصوصی انسانها و یا حقوق اجتماعی آنها می‌باشد و تشکیلات سیاسی بخصوصی در این میان تعیین کننده نیست عمل مجرمانه آنها می‌تواند برای هر کشوری خطرناک باشد و نظم عمومی را مختل و به منافع شخصی و حقوق خصوصی افراد لطمه وارد کند. برای یک شخص کلاهبردار مهم نیست که در چه کشوری مرتکب کلاه برداری می‌شود بلکه آنچه که برای او اهمیت دارد به دست آوردن اموال زیاد از دیگری است، اما یک مجرم سیاسی علیه دولت و کشور خود مبارزه می‌کند و لذا در کشورهای دیگر تنها دست به اقداماتی می‌زند که دولت کشور خودش متضرر شود نه شخص و دولت دیگر در نتیجه پنهان بردن چنین شخصی به کشور دیگر باعث ضرر و صدمه زدن به آن کشور نخواهد شد. ۲- دلیل دیگر آن است که هر دولتی مسئول حفظ و حراست از حاکمیت خود بوده و باید رأساً باید از نظام و تشکیلات سیاسی خود دفاع کند بنابراین استرداد مجرمین سیاسی اقدامی علیه حاکمیت و تشکیلات سیاسی یک دولت است و در واقع کمک به حفظ منافع آنهاست ولی دولتها حق ندارند در امور داخلی کشورها مداخله کنند. به تعبیر یکی از نویسندگان «در هر صورت تسلیم مجرم سیاسی به دولت متقاضی مخالف با اصل حاکمیت و استقلال دولتهاست» اما به نظر می‌رسد که استثناء جرایم سیاسی از قاعده استرداد بیش از آن که مرهون عنایت دولتها به حق حاکمیت خود و حفظ حدود آن باشد ریشه در افکار آزادی خواهانه‌ای دارد که باعث شد از اوایل قرن نوزدهم به بعد با دید دیگری به مجرمین سیاسی نظر شود و در واقع در اثر همین تحول افکار عمومی بود که موجب شد با مجرم سیاسی به دید اغماض و ارفاق نظر شود و دولتها نیز ناچار شدند از این افکار پیروی نمایند. ۳- در جرایم سیاسی قصد و نیت سوئی که در جرایم عادی مربوط به حقوق عمومی وجود دارد دیده نمی‌شود بلکه مجرم سیاسی دارای انگیزه‌ای شرافتمندانه بوده بدنبال اصلاح جامعه به سوی خوبی هاست. ۴- نوعاً مجرمان سیاسی انسانهای خبیث و پست نیستند تا اینکه دولتهایی که

مجرمین مذکور به آنها پناهنده شده اند بخواهند آنها را از کشور خود بیرون کنند یا ترتیبی بدهند که آنها را به کشور خودشان برگردانند چرا که این دسته از مجرمین نوعاً دارای تفکر و عقیده ای هستند که حاضر می شوند برای تحقق آن دست به هر اقدامی بزنند و شاید وجود آنها باعث تعالی فکری و ترویج عقاید و اندیشه های آزادی خواهانه در جامعه باشد در نتیجه دولتهایی که به حقوق و آزادیهای مردم اهمیت می دهند این پناهندگی را می پذیرند و از حضور چنین افرادی در جامعه خود نگران نمی شوند. ۵- مجرمان سیاسی معمولاً به خاطر نارضایتی و بی عدالتی ها و فشار حکومت ها مرتکب جرم سیاسی می شوند و گاهی هم در اثر تبلیغات، دسته یا جمعیتی آلت دست آنها می شوند لذا در هر دو صورت استرداد این دسته از مجرمین از نگاه عدالت و انصاف دشوار است. نتیجه اینکه بعضی از مبانی و دلایل ارائه شده تا حدودی قابل قبول است ولی به نظر می رسد علت اصلی ارفاق نسبت به این مجرمین حتی در زمینه استرداد این مسأله باشد که در جرایم سیاسی رسیدن به آرمان برتر و اهداف و منافع اجتماعی منظور است این آرمان برتر به گمان مرتکب ممکن است نجات عقیده یا وطن، استقرار عدالت و امثال اینها باشد گاهی به زعم مرتکب آنقدر هدف مورد نظر مهم است که حاضر است جان خود را برای آن فدا کند. مجازاتهای مجرمین سیاسی در قوانین ایران از لحاظ قانونی، در کشور ایران جرایم سیاسی حتی پس از تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۲۸۶ شمسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ که از جرایم عمومی تفکیک گردید و رژیم ارفاقی پذیرفته شد، هنوز قوانین عادی مجازاتهای جرایم سیاسی را مشخص نکرده اند و در خصوص بعضی از جرایم که دارای خصیصه سیاسی هستند مجازاتهای تعزیری و بعضاً مجازاتهای جرم محارب را پیش بینی کرده اند. شاید دلیل عمده این مطلب که از لحاظ عملی رژیم ارفاقی درباره مجازات مجرمین سیاسی پیاده نشده است، عدم وجود یک قانون عادی که مفهوم و ماهیت جرم سیاسی و همچنین مصادیق و موارد آن را مشخص کرده، باشد، چرا که اصولاً مجازات مجرمین سیاسی به دلیل شخصیت و ویژگیهای خاص آنها که در غالب این نوع مجرمین وجود دارد، نباید مجازاتهای تزدیلی، و تهریبی باشد، زیرا چنین مجازاتهایی تنها در حق مجرمان عادی که از انگیزه های پست و غیر شرافتمندانه و شخصی برخوردارند، باید اعمال گردد، در نتیجه بر اساس تناسب بین جرم و مجازات، لازم است، در مورد مجازات مجرمین سیاسی تجدید نظر کلی صورت گیرد. پس در قوانین ایران جرایم سیاسی در موارد مربوط به جرایم بر ضد مصالح عمومی، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و ... مطرح گردیده است. بعضی از محققین مجازاتهای قابل پیش بینی برای مجرمین سیاسی را به شرح زیر دسته بندی کرده اند: ۱. مجازاتهای بدنی از قبیل اعدام، شلاق، قطع عضو و .. امروزه در اکثر کشورها این نوع مجازاتها درباره مجرمین سیاسی اعمال نمی شود، حتی مجازات اعدام و شلاق درباره مجرمین عادی را نیز در بعضی از کشورها ممنوع کرده اند. ۲. مجازاتهای محدود کننده آزادی یا سلب آزادی، مانند حبس، تبعید، اقامت اجباری در محل معین یا حضور تحت مراقبت. ۳. مجازاتهای سلب حق، نظیر محرومیت از حقوق اجتماعی یا مالی یا سیاسی از قبیل اشتغال به

شغل معین یا الزام به انجام کار معین یا محرومیت از حقوق دیگر، البته امروزه در بعضی از کشورها مثل فرانسه مجازات‌های مذکور به عنوان مجازات اصلی استفاده نمی‌شود، ولی در کشورهای سوریه، لبنان و عراق مجازات اصلی مجرمین سیاسی در نظر گرفته شده است.^۴ مجازات‌های نقدی در مورد مجرمان سیاسی کم‌تر به موقع اجرا گذاشته می‌شود. در پیش نویس پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی در مورد جرایم سیاسی، مجازات مجرمین سیاسی را به طور کلی مشخص کرده است در ماده ۲۱ پیش نویس یاد شده آمده است: «مجرمان سیاسی حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شوند.» حال با توجه به این مقدمه به بررسی و نقد مجازات‌های جرایم دارای خصیصه سیاسی که در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده، می‌پردازیم. ۱. مجازات مجرمین سیاسی از طریق حد محاربه حد، یکی از مجازات‌هایی است که در فقه اسلام دارای شرایط و تعریف خاصی است بر اساس تصریح بسیاری از فقها تعداد حدود و نوع و اندازه آنها در شرع محدود و مشخص شده است. آنچه که مسلم است، جرایم مستوجب حد در شرع مقدس احصاء شده است و موارد مشخصی به عنوان حدود مطرح شده‌اند. در هیچ کدام از متون فقهی، نامی از جرم سیاسی و حتی جرم بغی به عنوان جرم مستوجب حد به میان نیامده است. از این رو بی‌تردید جرایم سیاسی از محدوده جرایم حدی خارج هستند. جرم بغی را نیز فقها در زمره جرایم تعزیری می‌دانند و تنها در صورتی که شروع به جنگ و مبارزه می‌کنند، جنگ و قتال با آنها مجاز شمرده شده است. همان طور که در بخش اول نیز اشاره کردیم، حتی جنگ و قتال با اهل بغی به خاطر جلوگیری از طغیان و شورش آنهاست، نه این که هدف، قتل و نابودی آنها باشد، در نتیجه مجازات مجرمین سیاسی از طریق حد محاربه دارای مبنای قوی و مستحکمی نیست، مضافاً به این که محاربه و جرم سیاسی دارای تفاوت جوهری هستند. محارب کسی است که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه می‌برد، حتی بعضی از فقهای اهل سنت در خصوص محاربه تعبیر به قطاع الطريق، سرقت بزرگ و .. آورده‌اند و این به دلیل شدت عملی است که در جرم محاربه نهفته است. از شرایط تحقق جرم محاربه این است که اولاً، مجرم باید دارای سوء نیت عام که همان قصد استفاده از سلاح است، باشد. ثانیاً، به قصد اخافه و سلب آسایش و امنیت مردم اقدام کند. به عبارت دیگر برای تحقق جرم محاربه وجود قصد عام و خاص قطعی است.^[۳۹] بعضی از نویسندگان تاکید می‌کنند، از آنجا که محاربه، امنیت جامعه را مختل می‌سازد و امنیت راه‌های عبور مردم را از بین می‌برد و حرمت مال و خون مردم را نیز می‌شکند، باید مجازات‌های شدیدی نسبت به آن اجرا گردد، اما همان گونه که قبلاً نیز توضیح دادیم، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجرمین سیاسی حسن نیت و عدالت خواهی آنهاست. به عبارت دیگر انگیزه مجرم سیاسی اصلاح جامعه و حتی گاهی برای نجات جامعه از سیطره حاکم فاقد صلاحیت (به نظر مجرم) می‌باشد. این در حالی است که محارب هدف اولیه و اصلی‌اش ایجاد خوف و ترس و سلب امنیت مردم است و در مرحله دوم هدفش غارت مردم و تجاوز به اموال و نفوس و اعراض آنها می‌باشد، در نتیجه اگر ناگزیر باشیم، جرم سیاسی را با یکی از

جرایم مطرح در فقه تطبیق و مقایسه کنیم، همان جرم بغی است. البته در بعضی از موارد، اعمال مجرمین سیاسی همراه با خشنونت و علیه امنیت اجتماعی است، ولی همان طور که قبلاً نیز گفته شد، امروزه جرایمی که با خشنونت، قتل، غارت، ترور و .. همراه باشند، هر چند با انگیزه و هدف سیاسی ارتکاب یابد، جرم سیاسی به شمار نمی‌آیند، زیرا فرض این است که مجرم سیاسی با هدف اصلاح گرایانه و انگیزه شرافتمندانه مرتکب عمل خلاف قانون می‌شود و این مسأله با قتل و سلب امنیت جامعه و مردم، ناسازگار است. از این رو در موارد اخیر می‌توان بین محاربه و اعمال مجرمانه همراه با خشنونت با هدف سیاسی، مقایسه و تطبیق صورت داد. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که قانونگذار در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تعزیرات، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی را در کنار هم آورده است و در اکثر موارد مجازات آن‌ها را تعزیر قرار داده است، مگر مواردی که طبق قانون عنوان محاربه بر آن‌ها صادق باشد که در آن صورت مجازات محاربه را خواهد داشت. در واقع زمانی محارب خواهند بود که شرایط و تعریف مذکور در باب محاربه ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی بر آن‌ها صادق باشد، در غیر این صورت به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم خواهد شد. البته در بعضی از مواد قانون مذکور، اطلاق محارب شده است که اگر جرایم علیه امنیت داخلی را که با حسن نیت و بدون اعمال خشنونت انجام گرفته، جرم سیاسی بدانیم، اعمال مجازات‌های محارب درباره آن‌ها غیر منطقی است. در نتیجه اولاً، مجازات کردن بعضی از مجرمین سیاسی که جرایم سیاسی مانند جرایم علیه امنیت داخلی بدون اعمال خشنونت انجام داده‌اند، مجازات‌های محارب، کاملاً متفاوت با اهداف رژیم ارفاقی درباره مجرمین سیاسی است که قانون اساسی ایران بدان تصریح کرده است. ثانیاً، ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی با ماهیت جرم محاربه، سازگاری نداشته، بیش‌تر شبیه جرم بغی در فقه اسلامی و جرم سیاسی در حقوق موضوعه می‌باشد، البته اگر قیام مسلحانه و اعمال مجرمین همراه با خشنونت و استفاده از العنف باشد، جرم از زمره رژیم ارفاقی خارج و جزو جرایم عمومی خواهد شد. ثالثاً، بر اساس تصریح فقها حدود از جمله جرایمی هستند که از لحاظ تعداد و میزان مجازات آن، در شرع مقدس مشخص گردیده است. از این رو نمی‌توان جرایم دیگری را که مشمول تعریف محاربه نیستند، به عنوان محاربه قرارداد و مجازات‌های جرم مذکور را نسبت به آن‌ها اعمال نمود. ۲. مجازات مجرمین سیاسی از طریق مجازات‌های تعزیری یکی از مجازات‌های مقرر در حقوق اسلام و همچنین قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تعزیری است. به طور کلی تعزیر به مجازات‌هایی اطلاق می‌شود که میزان معین ندارند و بر اساس تناسب جرم و مجازات، قابل تغییرند. فقهای اسلامی در تعریف تعزیر می‌فرمایند. تعزیر در لغت به معنای تادیب و از نظر شرعی عقوبت یا خوار داشتن است که در شرع غالباً برای آن، میزان مشخصی بیان نشده است. همچنین از خصوصیات تعزیر می‌توان به مساله متفاوت بودن میزان آن نسبت به افراد با اساس اوضاع و احوال و .. اشاره کرد، در نتیجه تعزیر شامل مواردی از قبیل وعظ، توبیخ، تازیانه، حبس، جزای نقدی، تشهیر، تبعید و قتل می‌شود. البته در خصوص این مساله بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و بعضی از

فقه‌ها تعزیرات را با این گستردگی نمی‌پذیرند حتی عده‌ای آن را در تازیانه منحصر می‌دانند. با توجه به نکاتی که در خصوص تعزیرات گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از مجازات‌های مناسب برای مجرمین سیاسی، مجازات‌های تعزیری است. همان طور که در بحث جرم بغی نیز گذشت، حضرت علی (ع) بعضی از باغیان را حبس کرد، زیرا اساساً باید جرم بغی را در زمره جرایم تعزیری به حساب آورد، در نتیجه یکی از بهترین راه حل‌ها در خصوص مجازات مجرمین سیاسی، در نظام حقوق کیفری اسلام استفاده از تعزیرات است که قاضی نیز می‌تواند بر اساس شرایط و اوضاع و احوال مجرم و متناسب با جرم ارتكابی، مجازاتی را تعیین کند. به عبارت دیگر پیاده کردن اصل فردی ساختن مجازات‌ها که در خصوص جرایم سیاسی بیش از جرایم دیگر ضروری به نظر می‌آید، امکان پذیر است. چه در پیش‌نویس لایحه جرایم سیاسی که آن را کمیسیون حقوق بشر تهیه کرده، نیز تصریح شده است که مجرمین سیاسی بر حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شوند.^۳ مجازات مجرمین سیاسی با کیفرهای باز دارنده یکی دیگر از مجازات‌هایی که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است، مجازات‌های بازدارنده است. ماده ۱۷ قانون در مجازات اسلامی مجازات‌های مذکور این چنین است: «مجازات بازدارنده، تادیب با عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد. از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.» درباره ماهیت مجازات‌های بازدارنده، بعضی از حقوقدانان آن‌ها را در زمره مجازات‌های تعزیری می‌دانند و تفاوتی میان آن‌ها قائل نیستند. جز این که تعزیرات در متون شرعی و فقهی آمده است، ولی مجازات‌های بازدارنده بر اساس شرایط زمان و مکان از طرف حکومت اسلامی تعیین می‌شود، نظیر مجازات‌های تخلفات رانندگی، زیرا به عقیده بعضی از فقه‌های معاصر مجازات‌هایی که در قوانین جزایی تحت عنوان مجازات‌های بازدارنده، مطرح هستند، همان است که در کتاب‌های فقهی تحت عنوان احکام حکومتی آمده است. این احکام برای حفظ کیان حکومت اسلامی مقرر می‌شود و این نوع کیفر به مجازات خاصی محدود نیست، بلکه حکومت اسلامی می‌تواند در مورد تمامی موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، قوانین و مقرراتی را وضع نموده، برای تخلف از آن‌ها مجازات‌های متناسب، معین کند. در نتیجه به نظر می‌رسد، یکی از مجازات‌هایی که می‌توان درباره مجرمین سیاسی پیش‌بینی کرد، مجازات‌های یاد شده باشد، زیرا در این نوع مجازات‌های قانونگذار می‌تواند بر اساس نوع جرم، واکنش مناسبی را مشخص کند و از طرفی هم دست قاضی را باز بگذارد تا این که بر اساس شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و شخصیت مجرم مجازات متناسب را مورد حکم قرار دهد. علاوه بر این که اگر عده‌ای که در تعزیرات قائل به محدود بودن انواع آن شوند یا این که آن را مختص به مجازات تازیانه بدانند که البته نظریه ی صحیحی نیست مجازات‌های بازدارنده مناسب‌ترین نوع مجازات‌ها برای مجرمین سیاسی خواهد بود. نتیجه ۱. ضروری است مجازات‌های مقرر برای مجرمین

سیاسی، فاقد وصف ترذیلی و ترهیبی بوده، مجازات اعدام نسبت به این دسته از مجرمین ممنوع گردد. همچنین برای تحقق عملی رژیم ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی لازم است که قانونگذار مجازات‌های تعزیری و بازدارنده را که دارای انعطاف بوده، قاضی محکمه می‌تواند بر اساس شرایط و اوضاع و احوال مجرم و جرم ارتكابی آن را تغییر داده، برای مجرمین سیاسی پیش‌بینی کند، هرچند، در مواردی این امر صورت‌گرفته است، ولی هنوز نواقصی از قبیل اطلاق محارب و مفسد فی‌الارض بر جرایم دارای ماهیت سیاسی که تفاوت جوهری با جرم سیاسی دارند، وجود دارد. ۲. اعمال مجازات‌های سنگین از قبیل مجازات‌های محارب جهت بعضی از مصادیق جرم سیاسی، غیر منطقی و با رژیم ارفاقی که با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی پذیرفته شده است، تطبیق ندارد. از این رو، مشخص نمودن معیار و ملاک کاربردی و دقیق به منظور تفکیک مصادیق محاربه و جرم سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. نتیجه‌گیری کلی و پیشنهادها ۱. به علت وجود مکاتب فکری متفاوت و حوادث و تحولات اجتماعی در طول تاریخ، همواره برداشت‌های مختلفی از جرم سیاسی صورت گرفته است و بر اساس همین طرز تلقی، برخوردهای خاصی نسبت به مجرمین سیاسی به دنبال داشته است. در حقیقت همان جنبه‌های افراط و تفریط که در مسایل سیاسی و اقتصادی و مالی در دو دیدگاه مکتب افراطی فرد و مکتب افراطی جامعه و حقوق اجتماعی رخ داد، در مقوله حقوق و جرم سیاسی نیز ظهور و بروز پیدا کرده است و هر مکتبی بر اساس تفکری که به دنبال می‌کرده است، برداشتی از جرم سیاسی داشته است. ۲. مطالعه تاریخیچه و سیر تحول جرم سیاسی، نشانگر این مهم است که همواره برخورد و مقابله با مجرمین سیاسی دارای آیین و قواعد خاص بوده و هیچ‌گاه مانند مجرمین عادی با آن‌ها برخورد نشده است، با این ویژگی که تا اوایل قرن نوزدهم برخوردهای شدید و سخت نسبت به این دسته از مجرمین اعمال می‌گردید، بعد از تاریخ مزبور، تحول بزرگی در نوع برخورد با آن‌ها به وجود آمد و نظام فکری جامعه و به دنبال آن نظام جزایی حاکم بر اثر جوامع، رژیم ارفاقی را نسبت به مجرمین سیاسی اعمال کردند. این وضعیت تا شروع جنگ جهانی اول ادامه داشت، اما بعد از این واقعه و همچنین جنگ جهانی دوم مجدداً سیر قهقرایی آغاز و به علت حکومت‌های اقتدارگرا و سخت‌گیر، مجازات‌های شدید نسبت به مجرمین سیاسی از سر گرفته شد. در دوران معاصر نیز دو دیدگاه متضاد (سخت‌گیری و ارفاق) وجود داشته و دارد، ولی اکثریت کشورها رژیم ارفاقی را پذیرفته‌اند. اگر چه امروزه قوانین کشورها در صدد محدود کردن دایره شمول جرم سیاسی بوده، تعدادی از جرایم را از شمول رژیم ارفاقی استثناء کرده‌اند. ۳. برای دستیابی به یک تعریف کامل و جامعه از جرم سیاسی ضوابط متفاوتی ارائه گردیده است که انتخاب هر کدام از ضوابط ذهنی یا عینی به تنهایی در تعریف مزبور باعث خواهد شد که جرم سیاسی مشمول بسیاری از جرایم عمومی که یکی از دو ضابطه را داشته است، می‌شود. ضابطه مختلط راه حل مناسبی برای تشخیص جرایم سیاسی از جرایم عمومی است، البته همان طور که گفتیم، راه حل مناسب، ارائه تعریف از سوی قانونگذار و تعیین مصادیق آن می‌باشد. ۴. حقوق اسلام نیز از جرم سیاسی بیگانه نیست، بلکه می‌توان

مقررات ارفاق آمیز را از میان احکام اسلامی وسیره ائمه خصوصاً سیره امام علی (ع) در دوران زمامداری ایشان پیدا کرد. جرم بغی در اسلام با توجه به شرایط و ضوابطی می‌تواند یکی از مصادیق بارز (و به عقیده گروه زیادی از حقوقدانان اسلامی به معنای) جرم سیاسی باشد. البته این موضوع بدان معنا نیست که حقوق اسلام با مصادیق دیگر جرم سیاسی امروزی مخالف است بلکه با مراجعه به اصول کلی (اصل آزادی عقیده) وظایف حاکمان و والیان نسبت به زیر دستان می‌توان احکام و شرایط مربوط به جرم سیاسی را استنباط کرد. ۵. ثمره عملی تلاش‌ها و تحقیقات برای تکفیک جرایم سیاسی از جرایم عمومی، در قسمت آیین دادرسی و مجازات مجرمین سیاسی ظاهر می‌گردد هر مجرم سیاسی از مرحله تعقیب و تحقیق تا انتهای مدت تحمل مجازات دارای امتیازاتی در مقایسه با مجرمین عادی هستند همچنین از لحاظ بین‌المللی نیز مجرمین سیاسی دارای امتیاز اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی هستند. ۶. اعمال مجازات‌های سنگین از قبیل مجازات‌های محارب در بعضی از مصادیق جرم سیاسی غیر منطقی و با رژیم ارفاقی که با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی پذیرفته شده است، تطبیق ندارد. ۷. هیأت منصفه به عنوان یکی از نهادهای حقوقی پذیرفته شده در قوانین کشورماست که حضور آن، در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی بر اساس موازین اسلامی پیش بینی شده است این موضوع بدان معناست که قانونگذار ایران با توجه به مخالفین و موافقین وجود هیأت منصفه در سیستم‌های حقوقی و مختلف کشورها راه میانه را انتخاب نموده، در جرایمی که به طور فزاینده‌ای با وجدان عمومی و جامعه سر و کار دارد حضور هیأت منصفه را که نماینده افکار عمومی است، پذیرفته است. پیشنهادها: ۱- با توجه به تکلیفی که اصل ۱۸۶ قانون اساسی به عهده قانونگذار عادی قرار داده ضروری است که قانونی جامع و کاملی در خصوص جرایم سیاسی تدوین نماید. مهمترین روش آن است که ابتدا تعریفی از جرم سیاسی ارائه و سپس مصادیق آن را بیان کند. همچنین طریقه انتخاب و شرایط اعضای هیأت منصفه و وظایف آنها را مشخص نماید. ۲- پیشنهاد دوم ضرورت اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی و دیگران قوانین مربوطه است که این شبهه را به اذهان القاء می‌کند که حقوق اسلام نسبت به مجرم سیاسی روش سخت گیرانه را انتخاب کرده است و بعضی از مجرمین سیاسی را با مجازات‌های محارب کیفر می‌دهد. مراد، مواردی از قوانین مجازات اسلامی است که بعضی از جرایم دارای ماهیت سیاسی را با جرم محاربه خلط کرده است. ۳- برای تحقق عملی رژیم ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی که قانون گذار مجازات‌های تعزیری و بازدارنده را که دارای انعطاف بوده و قاضی محکمه می‌تواند بر اساس شرایط و اوضاع و احوال مجرم و جرم ارتكابی آن را تغییر دهد برای مجرمین سیاسی پیش بینی نماید. در مواردی این امر صورت گرفته است ولی هنوز نواقصی از قبیل اطلاق محاربه و مفسد فی الارض بر جرایم دارای ماهیت سیاسی که تفاوت جوهری با جرم سیاسی دارند وجود دارد. با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت: متأسفانه رژیم ارفاقی، در سیستم قانونگذاری ایران به هیچ وجه مورد توجه و عنایت نبوده است اگر چه در قالب قانون اساسی ج. ا. ا، به دو شاخصه مهم این رژیم، یعنی لزوم علنی بودن محاکمه و حضور

هیات منصفه تصریح گردیده، ولی ابزار لازم برای اجرای این دو فراز مهم، نیز که می‌بایست از طریق تهیه و تنظیم قوانین عادی صورت گیرد، اصولاً از سوی قانونگذار مورد غفلت و مسامحه قرار گرفته است. بنابراین حتی اصولی‌ترین جنبه‌های رژیم ارفاقی، یعنی هیات منصفه و محاکمه علنی‌نیز از مجرمان سیاسی، دریغ می‌شود بدین بهانه که اصولاً مجرم سیاسی در مجموعه قانونی ایران تعریف نشده است و لذا نمی‌توان به لحاظ قانونی هیچ مجرمی را سیاسی دانست و این تسامح و تغافل آگاهانه به سوی قانون گذار، آن هم به فاصله کوتاهی از تصویب قانون اساسی جای بسی تاسف و تعجب دارد

تعریف و مصادیق جرائم سیاسی

پس از ۳۰ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی سرانجام متولیان امر (قوه قضائیه) بخشی از وظایف و مأموریت های خود را به صورت ابتر انجام داده و در بررسی لایحه مجازات اسلامی، ماده ۴ آن را به تعریف و مصادیق جرم سیاسی اختصاص دادند. براساس این تعریف و مصادیق آن آمده است؛ «هریک از اعمال زیر چنانچه با قصد مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد و متضمن خشونت نباشد، جرم سیاسی محسوب و مرتکب به حبس از ۶ ماه تا دو سال یا اجبار به اقامت در محل معین یا منع از اقامت در محل معین از دو سال تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت پنج سال محکوم خواهد شد.

۱ - فعالیت های تبلیغی موثر علیه نظام

۲ - برگزاری اجتماعات یا راهپیمایی های غیرقانونی

۳ - نشر اکاذیب یا تشویش اذهان عمومی از طریق سخنرانی در مجامع عمومی، انتشار در رسانه ها، توزیع اوراق چاپی یا حامل های داده (دیتا) و امکان آن

۴ - تشکیل یا اداره جمعیت غیرقانونی یا همکاری موثر در آنها

۵ - تلاش برای ایجاد یا تشدید اختلاف بین مردم در زمینه های دینی، مذهبی، فرهنگی و نژادی. تبصره ۱- چنانچه جرم سیاسی همراه با یکی از جرائم دیگر ارتکاب یابد، مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. تبصره ۲- صرف انتقاد از نظام سیاسی یا اصول قانون اساسی یا اعتراض به عملکرد مسوولان کشور یا دستگاه های اجرایی یا بیان عقیده در ارتباط با امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن جرم محسوب نمی شود.»

برای ورود به بحث مروری بر سوابق ضروری است؛

۱ - اصل ۱۶۸ قانون اساسی تصریح می دارد؛

«رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند.»

این اصل قانون اساسی بر سه محور استوار است؛

الف- به رسمیت شناختن جرائم سیاسی و مطبوعاتی

ب- علنی بودن محاکمه

ج- رسیدگی در حضور هیات منصفه.

۲ - بیشترین مناقشه در خصوص اجرای این اصل در دوره ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی (دوره های هفتم و هشتم ریاست جمهوری) و باز شدن فضای سیاسی و مطبوعاتی و فرهنگی کشور انجام گرفت. اصل مغفول شده فوق طی سال های ۱۳۸۴-۱۳۷۶ یکی از مباحث مهم در محافل خبری و مطبوعاتی بود. در این زمان رسانه ها به نقل از ریاست جمهوری وقت جناب آقای خاتمی نوشتند؛ «زندانی سیاسی و مطبوعاتی در کشور نداریم.» اما ایشان در جلسه یی که با جوانان داشتند در پاسخ به سوال یکی از حضار در این خصوص خدا را به شهادت گرفتند که چنین سخنی را نگفته اند و تاکید کردند؛ «زندانی سیاسی داریم.» - جناب آقای شاهرودی رئیس محترم قوه قضائیه در واکنش به اظهارات رئیس جمهور فرمودند؛ «ما زندانی سیاسی نداریم زیرا هنوز مجلس چنین چیزی را تصویب نکرده و در این باره مصوبه یی وجود ندارد، بنابراین دادگاه نمی تواند بر اساس مبانی حقوقی حکم کند.» (روزنامه های شرق، اعتماد، نسیم صبا مورخ شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)

- جناب آقای موسوی اردبیلی، رئیس اسبق قوه قضائیه در این مورد اظهار داشتند؛ «اسلام جرم را به سیاسی و غیرسیاسی تقسیم نکرده، جرم سیاسی وارداتی است. می گویند شما برخلاف وظایف سیاسی عمل کرده اید، اگر حرام است برای همه است. جرائم سیاسی در دنیا مشهور و مشخص است، در اسلام جرم سیاسی نداریم. البته چون همه به قانون اساسی رای داده اند باید به آن عمل کرد.» (روزنامه ابرار شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)

- جناب آقای الهام استاد حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و عضو محترم شورای نگهبان و سخنگوی فعلی دولت نهم در این خصوص فرمودند؛ «نیاز به تعریف جرم سیاسی نداریم.» (روزنامه ابرار اقتصادی، شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)

۳ - در هنگام طرح و بحث و بررسی این اصل در مجلس خبرگان اول (مجلس بررسی پیش نویس قانون اساسی) که اکثریت آن را علما و روحانیون بلندپایه و طراز اول کشور تشکیل می دادند، هیچ یک از آنها منکر جرم سیاسی در اسلام نشدند، بلکه آنچه عنوان و تصویب شد ضرورت تعریف جرم سیاسی بود. با مراجعه به مذاکرات مجلس خبرگان مرحوم آیت الله شهید بهشتی (نایب رئیس) در پاسخ به این ایراد توضیح می دهند که جرائم باید در قوانین کیفری گروه بندی شود و آنجا باید تعریف قانونی پیدا کند. یکی از نمایندگان در مخالفت با حضور هیات منصفه اظهار می دارد؛ «هیات منصفه در اینجا کار خبره را نمی کنند و تازه اگر بکنند یک موجوداتی هستند که ضعیف اظهار نظر می کنند.» در موافقت با حضور هیات منصفه یک نفر از نمایندگان اظهار می دارد که هیات منصفه سابقه اسلامی دارد و آیت الله مکارم شیرازی به عنوان موافق و در پاسخ به نظر مخالف مطرح شده، می فرمایند؛ «فرمودند در اسلام هیات منصفه نداریم. این کلمه را نداریم ولی محتوایش در فقه ما آمده است که یک عده از فضلا و اهل علم در محضر قاضی حاضر باشند تا جلوی اشتباهات قاضی را بگیرند و به او در تشخیص جرم کمک بکنند. بنابراین این ریشه فقه اسلامی دارد و بعد این مساله، مساله یی متری است و تعجب می کنم چرا در آن تردید دارند. بنابراین هم مصلحت اجتماعی دارد و هم کمک به احیای عدل می کند و هم موافق موازین اسلامی است. پس از مذاکرات طولانی و مباحث مفصل نمایندگان موافق و مخالف، اصل ۱۶۸ با ۵۷ رای موافق و دو رای مخالف و دو رای ممتنع به شکل فوق به تصویب می رسد. (جلسه شصت و یکم صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی - جلد سوم - صفحات ۱۶۸۱-۱۶۷۷) ۴ - در ضرورت و توجه به این اصل باید گفت رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی به طور علنی با حضور هیات منصفه در انقلاب مشروطه نیز مطرح بوده و در اصول ۷۴، ۷۶ و ۷۷ متمم قانون اساسی مشروطه نیز به صراحت آمده است که رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید در محاکم و با حضور هیات منصفه و در دادگاه علنی انجام گیرد اما این اصل در گذشته (سال های ۱۳۵۷-۱۲۸۵) هرگز اجرا نشد و هیچ جرمی را سیاسی ندانستند و در اعتراضات جهانی مرتب تکرار می کردند در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد. جالب است مشابه این اصل به لحاظ اهمیت آن در اکثر قوانین اساسی کشورها به صورت مشخص و پررنگ آمده است.

۵ - برخی از فقها و پژوهشگران معاصر از جمله آیت الله العظمی مرعشی و دکتر فیض، «بغی» را همان جرم سیاسی قلمداد کرده اند. بغی عبارت است از خروج و طغیان در برابر امام عادل (ع). البته در کتاب ارزشمند و مبسوط «ترمینولوژی حقوق» صفحه ۸۷۲ (جلد چهارم) محمدجعفر جعفری لنگرودی چاپ اول ۱۳۷۸،

انتشارات گنج دانش، در مقابل بغی آمده است؛ «بغی = بیرون شدن از حد و سامان.» اصطلاحاً مخالفت کردن با اوامر دولت عدل اسلامی است، خواه مخالفت مسلحانه باشد خواه نه. این مخالفت جرم سیاسی است و مجرم را باغی (جمع بغات) گویند.

باغی مسلم است و مال او محترم است اما اگر با دولت بجنگد و در حین جنگ مالی از او تلف شود دولت ضامن تلف شدن مال او نیست. اسیران جنگی که از بغات گرفته می شود، برده نمی شوند و پس از جنگ با آنان نباید فراریان شان را تعقیب کرد و در تعریف بغات ذکر شده در فقه به مسلمانی گفته می شود که علیه پیشوای معصوم دین قیام کرده باشد مانند خوارج نهروان.

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه خطاب به اهل بغی می فرمایند تا زمانی که آنها مخالفت با امام یا توهین و تعریض و انتقاد به امام را به مرحله جنگ نکشانند و دست به اسلحه نبرند حقوق سیاسی، اجتماعی آنان را رعایت خواهد کرد و بنابر قولی سهم آنان را از بیت المال حفظ فرمودند.

۶ - جرم سیاسی در متون حقوقی. آیا در متون حقوقی تعریفی برای جرم سیاسی وجود دارد یا خیر؟ آقای دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی در کتاب «ترمیمولوژی حقوق» که از منابع و مأخذ معتبر حقوقی است، تعریف روشنی از جرم سیاسی ارائه داده اند؛ «جرم سیاسی؛ الف- جرم ناشی از فکر سیاسی یا از یک موسسه و دستگاه سیاسی را گویند. ب- به معنی اخص جرمی است که مخالف نظم سیاسی خارجی یا داخلی کشور باشد، مانند توطئه برای تغییر شکل حکومت.» در این کتاب ماخذ در طبقه بندی جرائم، در برابر جرم سیاسی، جرم عادی قرار داده شده و «هر جرمی که عنوان جرم سیاسی را نداشته باشد جرم عادی است. (صفحات ۱۹۱ الی ۱۹۵، طبقه بندی جرائم)

جرم سیاسی در حقوق خارجی نیز جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است.

- در اکثر قوانین اساسی یا قوانین مجازات کشورها تعاریف متفاوتی از جرائم سیاسی و مصادیق آنها ارائه داده اند که به لحاظ مطول شدن از ذکر آنها خودداری می شود. ولی بهره برداری از آنها و استفاده از تجارب بشری توصیه می شود. ضمناً لایحه جرم سیاسی که توسط دولت هشتم برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شد با توجه به اینکه نتایج مطالعات تعدادی از حقوقدانان خبره کشور است و در سیر مراحل تصویب قرار گرفت و در جلسه ۱۳۸۰/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی نیز تصویب شد و سرانجام به لحاظ اختلاف مجلس و شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده شد و مورد توجه جامعه علمی و نخبگان کشور می باشد، اصلح است مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص در سال های اخیر مطالعات مبسوطی توسط برخی از نهادها یا مراجع دولتی نظیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی و معاونت پارلمانی

وزارت دادگستری به عمل آمده و بسیاری از حقوقدان ها و اساتید دانشگاهی نیز متون علمی و دقیقی تهیه کرده اند. بهره گیری از نتایج این مطالعات بسیار مفید خواهد بود.

۷ اگرچه اصل ۱۶۸ قانون اساسی تعریف جرم سیاسی را به عهده قانون گذارده است و قانونی تاکنون تحت این عنوان تصویب نشده است، اما در قوانین متعدد جرم سیاسی تعریف شده است. به طور خلاصه به آنها اشاره می شود؛

۷-۱ لایحه قانونی رفع آثار محکومیت های سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۱/۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران. «ماده واحده - محکومیت کسانی که به عنوان اتهام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهام سیاسی دیگر، تا تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۶ به حکم قطعی محکوم شده اند، کان لم یکن و ملغی الاثر تلقی می شود و کلیه آثار محکومیت های مزبور موقوف الاجرا خواهد بود.» همان طوری که ملاحظه می شود، «اقدام علیه امنیت کشور» و «اهانت به مقام سلطنت» و «ضدیت با سلطنت مشروطه» و «سایر اتهامات سیاسی دیگر» جرائم سیاسی محسوب شده اند.

۷-۲ لایحه قانونی احتساب سابقه خدمت محکومان سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۵/۱۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

۷-۳ - لایحه قانونی راجع به الحاق چهار تبصره به لایحه قانونی احتساب سابقه خدمت محکومان سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۹/۶ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

۷-۴ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب

۱۳۶۰/۷/۵ مجلس شورای اسلامی - ماده ۱۵ این قانون جرائم سیاسی و نظامی را به دو دسته تقسیم کرده است؛

الف) جرائم مربوط به قبل از انقلاب اسلامی

ب) جرائم مربوط به بعد از انقلاب اسلامی - مصادیق جرائم بند (ب) - جرائم مربوط به بعد از انقلاب اسلامی در ۱۱ بند مفصلاً توضیح داده شده است.

۷-۵ قانون تعیین تکلیف لوایح قانونی مربوط به رفع آثار محکومیت های سیاسی مصوب

۱۳۶۶/۹/۲۴ مجلس شورای اسلامی - در اجرای ماده واحده این قانون، اخراج آن عده از مستخدمین دولت اعم از کشوری و لشکری که رژیم سابق تحت عنوان علل امنیتی، سیاسی یا مذهبی به دستور و حکم ساواک منحل یا مراجع امنیتی مربوطه بدون محکومیت قطعی دادگاه از تاریخ ۱۳۴۲/۲/۱۵ تا ۱۳۵۷/۱۲/۱۶ صورت

گرفته است کان لم یکن تلقی می شود و در تبصره ۴ این قانون تشخیص اینکه مستخدم به علل امنیتی و سیاسی یا مذهبی از خدمت اخراج شده است براساس مدارک مربوط حسب مورد با وزارت اطلاعات یا سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اداره دوم ستاد مشترک و سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

۶-۷ قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ مجلس شورای اسلامی - در این قانون به هر سه عنصر اصلی تصریح شده در اصل ۱۶۸ قانون اساسی یعنی به رسمیت شناختن جرائم سیاسی و مطبوعاتی، علنی بودن محاکمه و رسیدگی با حضور هیات منصفه توجه شده است.

ماده ۱۶ این قانون مصادیق جرائم را مشخص کرده و در ماده ۱۹ قانون، شورای عالی قضایی موظف شده ظرف یک ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون لایحه تشکیل هیات منصفه محاکم دادگستری موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تهیه و با رعایت اصل ۷۴ قانون اساسی تقدیم مجلس کند.

۷-۷ قانون اعطای تسهیلات مربوط به آزادگان به آن دسته از افرادی که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی محکومیت سیاسی داشته اند مصوب

۱۳۷۷/۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی. با توجه به مراتب فوق قوانین مصوب قبلی درباره جرم سیاسی همچنان به قوت و اعتبار خود باقی است ولی ذکر چند نکته ضروریست؛

الف- براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. اکنون سوال این است که با وجود چنین قوانین نسبتاً مترقی و پیشرفته با استناد به قانون سال ۱۳۳۹ (قانون اقدامات تأمینی و تربیتی) که هیچ گونه ارتباطی با جرائم سیاسی و مطبوعاتی ندارد و برای برخورد با مجرمان خطرناک به تصویب رسیده است. چندین روزنامه توقیف موقت می شوند. چرا قضات محترم با وجود قوانین مذکور و با تفسیر موضع از قوانین صدر الذکر اقدام نکردند؟ چه کسی ناظر یا پاسخگوست. ماده یک قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ مقرر می دارد؛

«اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمان خطرناک اتخاذ می کند. مجرمان خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتكابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد اعم از اینکه قانوناً

مسئول باشند یا غیرمسئول. صدور حکم اقدام تامینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم شده باشد.»

ب- ماده ۴ لایحه قانونی مجازات اسلامی درخصوص جرائم سیاسی و مصادیق و تبصره های آن دارای اشکالات عدیده یی است که لازم است قبل از ارسال برای سیر مراحل تصویب، اصلاح شود. قبل از طرح اشکالات و ایرادات این لایحه ذکر این موضوع خالی از لطف نیست که ما ایرانی ها همیشه باید خود تجربه کنیم و راهی را که سال ها دیگران با تلاش طی کرده و در مسیر، نسبت به رفع مشکلات راه پیموده اقدام کرده اند، دوباره از اول شروع کنیم و تا خودمان تجربه نکنیم و به همان نتایج نرسیم باور نخواهیم داشت و کمترین توجهی به تجربیات بشری نمی کنیم. تعاریف و مصادیق جرم سیاسی که اخیراً مورد توجه مسوولان محترم قضایی قرار گرفته است از جمله همین تجربه هاست. همان طوری که ملاحظه می شود تعاریف و مصادیق در قوانین موجود شاید شفاف تر از لایحه اخیر باشد. در ضمن اینکه مسوولان محترم قوه قضائیه در صورتی که بخواهند در یک قانون مدون و به صورت شفاف مسائل مطروح در اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تدوین کنند، برآیند کلیه قوانین مذکور باید در لایحه منظور شود، البته با رفع اشکالات و ایراداتی که در این سال ها با آن روبه رو بوده ایم. از دیگر ابهامات این لایحه باید به برخی واژه های مبهم و گنگ اشاره کرد، نظیر «فعالیت تبلیغی موثر علیه نظام» یا «برگزاری اجتماعات یا راهپیمایی های غیرقانونی». در این خصوص باید گفت طبق اصل بیست و هفتم قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. در صورتی که این بند برای برگزاری اجتماعات یا راهپیمایی ها محدودیت قائل شده و این موضوع در تناقض آشکار با اصل بیست و هفتم قانون اساسی است. عمده ترین نقص در این لایحه که در ماده ۱۹ قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و... مصوب سال ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی بدان تاکید شده و شورای عالی قضایی موظف بوده ظرف یک ماه لایحه آن را تهیه کند، تشکیل هیات منصفه محاکم دادگستری است که متأسفانه در این لایحه نیز بدان توجه نشده است یا مساله دادگاه ویژه روحانیت برای مجرمان سیاسی که ملبس به لباس روحانیت یا در حوزه ها تحصیل کرده و در وضعیت موجود توسط این دادگاه محاکمه می شوند. در صورتی که در اصل ۱۶۸ ذکر شده رسیدگی به این گونه جرائم باید در محاکم دادگستری صورت گیرد.

البته نکته مثبت این لایحه تبصره «دو» آن است که انتقاد از نظام سیاسی یا اصول قانون اساسی یا اعتراض به عملکرد مسوولان کشور یا دستگاه های اجرایی یا بیان عقیده در ارتباط با امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظایر آن جرم محسوب نمی شود. ان شاءالله اصل ۲۳ و ۳۷ قانون اساسی در خصوص «بیان عقیده» و «اصل برائت» نیز مورد توجه مسوولان محترم قضایی قرار گیرد

جرائم مطبوعاتی

مطبوعات از نظر لغوی واژه‌ای عربی است و جمع مؤنث سالم واژه مطبوعه است که های آن علامت تأیید مجازی است و مطبوع یعنی آن چه که چاپ شده است.

هرچند مطبوعات در فرهنگ فارسی به هر نوشته چاپی اعم از کتاب، مجله، اعلامیه و هر آن چه به شکل نوشتارهای چاپ شده جهت انتقال اطلاعات تهیه شده باشد اطلاق می‌شود؛ اما با توجه به اهمیت خاصی که تعریف دقیق مطبوعات دارد قانون‌گذار مطبوعات را تعریف نموده و حدود و ثغور آن را روشن نموده تا از تشتت آرا در تعریف جرایم مطبوعاتی کاسته شود.

بر اساس ماده ۱ قانون مطبوعات مصوب ۳۰ فروردین ۱۳۷۹، مطبوعات عبارت است از نشریاتی که با داشتن نام ثابت و ذکر تاریخ و شماره ردیف، در زمینه‌ای مشخص و انتخاب شده، انتشار می‌یابند و مطابق قانون مطبوعات، هیأت نظارت بر مطبوعات برای انتشار آن، پروانه و مجوز خاص صادر کرده باشد.

تعریف جرایم مطبوعاتی

جرایم مطبوعاتی عبارت است از مواردی که در قانون مطبوعات و سایر قوانین عادی جرم شمرده شده و مطبوعات و مدیر مسؤول یا صاحب امتیاز مرتکب می‌شوند.

سابقه تفکیک جرایم مطبوعاتی از جرایم عادی و دادرسی خاص آن به تصویب اولین قانون مطبوعات در سال ۱۲۸۶ برمی‌گردد. دلایل عمده این تفکیک را باید یکی در سخت‌گیری بیشتر نسبت به جرایم مطبوعاتی به دلیل قدرت ذاتی و تخریبی این رسانه همگانی و دیگر ارفاق به مطبوعات به دلیل احترام به اصل آزادی بیان و مطبوعات دانست.

جرایم ارتكابی بوسیله مطبوعات

جرم انگاری یا فرآیند جرم سازی، توسل به ضمانت اجرای کیفری از طریق جرم تلقی کردن رفتارهای خاص است. قانون‌گذار با توجه به ارزش های جامعه و در جهت حفظ نظم عمومی، بعضی اعمالی را که در حیطه اباحه یا انحراف است با تعیین ضمانت اجرای کیفری در قلمرو حقوق جزا قرار می‌دهد.

در این میان مطبوعات نیز گاهی از مسیر و اهداف خود منحرف شده و به نظم و امنیت عمومی یا حقوق فردی تجاوز می‌نمایند این تجاوزات در قانون، جرم شمرده شده است. مهم‌ترین این جرایم که در دو قلمرو حقوق فردی و نظم و امنیت عمومی ارتکاب می‌یابند عبارتند از:

الف (جرایم مطبوعاتی در قلمرو حقوق فردی

۱. توهین به اشخاص

۲. افتراء

۳. نشر اکاذیب

۴. سرقت ادبی

۵. تقلید نام یا علامت نشریه دیگر

۶. تهدید به وسیله مطبوعات

۷. افشای اسرار شخصی

ب (جرایم مطبوعاتی در قلمرو نظم و امنیت عمومی

۱. انتشار اسناد محرمانه و سری دولتی و نظامی

۲. انتشار مذاکرات جلسات غیر علنی محاکم دادگستری و مجلس شورای اسلامی

۳. انتشار تحقیقات مراجع قضایی

۴. توهین به مقامات و مقدسات

۵. تحریک به جرایم علیه امنیت

۶. تبلیغ علیه جمهوری اسلامی

۷. انتشار نشریه بدون پروانه

۸. انتشار مصوبات شورای عالی امنیت ملی

۹. انتشار مطالب علیه قانون اساسی

۱۰. انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی

۱۱. پخش شایعات

حدود آزادی مطبوعات

عالی‌ترین و پرافتخارترین موهبت انسان که نسل‌های بی‌شمار گذشته در راهش با مخاطرات بسیار، دست به گریبان بوده‌اند؛ "آزادی" است.

آزادی عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند، مشروط بر آن که آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، آزادی مطبوعات جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده چنان که در اصل ۲۴ این قانون، به اصل آزادی مطبوعات و نشریات پرداخته و آن‌ها را در بیان مطالب آزاد دانسته است. البته این آزادی با تمام اهمیتی که داراست تابع محدودیت‌هایی است. در این اصل دو استثناء برای آزادی برشمرده است یکی این که مخل مبانی اسلام نباشد و دیگر این که مخل حقوق عمومی نباشد.

مسئولیت کیفری در جرایم مطبوعاتی

در اکثر جرایم، مرتکبین یک جرم اعم از مباشر، شریک یا معاون، به سادگی قابل تشخیص هستند، در حالی که طبع خاص جرایم مطبوعاتی به دلیل تعدد افرادی که در تهیه و نشر آن دخالت دارند (نویسنده، صاحب امتیاز، مدیر مسئول، سردبیر، خبرنگار، ناشر، توزیع کننده و...)، بررسی مسئولیت کیفری آنان را در این راستا با پیچیدگی بیشتر همراه ساخته است.

۱. مسئولیت کیفری صاحب امتیاز:

صاحب امتیاز یک نشریه کسی است که تحت شرایط مقرر در قانون مطبوعات، پروانه انتشار نشریه رادریافت نموده است. بر اساس تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت وی ناظر به عدم رعایت تشریفات قانونی است که وی ملزم به رعایت آن است.

۲. مسئولیت کیفری مدیر مسئول:

مدیر مسئول، مدیر نشریه است که پاسخ‌گوی اصلی جرایم مطبوعاتی است. بر اساس ماده ذکر شده، مدیر مسئول، مسئول امور مربوط به نشریه و یکایک مطالبی است که در نشریه به چاپ می‌رسد. البته این مسئولیتی که در این ماده بیان شده مسئولیت مدنی است و قانون‌گذار در مواد ۳۰ و ۳۱ و ۳۷ به مسئولیت کیفری وی نیز اشاره نموده است.

۳ مسئولیت کیفری نویسندگان و سایر پدید آورندگان:

قانون گذار در تبصره ۷ ماده فوق مسئولیت نویسنده مطالب و مسئولیت سایر اشخاصی را که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند اعم از معاونان و شرکای جرم را پذیرفته است.

اعمال سایر دست اندرکاران مطبوعات نظیر سردبیر، خبرنگار، ویراستار و ... در صورتی جرم است که مشمول عناوین مجرمانه تلقی گردد. چنانچه در مورد توزیع کنندگان و فروشندگان مطبوعات خلاف عفت عمومی، بند ۱ و ۳ ماده ۶۴۰ ق.م.ا به صراحت عمل آنان را جرم دانسته است.

۴ صلاحیت محاکم در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

با تصویب و اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱ و بر اساس تبصره ماده ۴ آن، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی، در صلاحیت دادگاهی با عنوان کیفری استان قرار گرفت. پیش از تصویب این قانون، دادگاههای عمومی و انقلاب صالح به رسیدگی بودند.

ویژگیهای جرایم مطبوعاتی

اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۴ قانون مطبوعات برای جرایم مطبوعاتی امتیازات خاصی مقرر داشته‌اند که جرایم عادی از آن بی‌بهره‌اند.

حضور هیأت منصفه

هیأت منصفه افرادی هستند که دعوت شده‌اند تا درباره صحت و سقم اعمال منتسب به متهم، در جریان دادرسی اظهار نظر نمایند.

در حقوق کشور ما، هیأت منصفه حداقل با حضور هفت نفر از اعضا رسمیت دارد و می‌تواند بدون نیاز به استدلال و توجیه حقوقی و استناد قانونی، در تعیین سرنوشت دعوی، تصمیم‌گیری کنند.

فلسفه ایجاد هیأت منصفه که نماینده افکار عمومی هستند آن است که بهتر می‌توانند در مورد هر جرم مطبوعاتی اظهار نظر کنند که آیا انتشار خبر یا مطلبی خاص، سوء استفاده از آزادی و در نتیجه جرم محسوب می‌شود یا صرفاً عمل به وظیفه بوده یا یک انتقاد بوده و جرم نیست.

علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن محاکمات یکی از اصول پذیرفته شده در خصوص دادرسی‌های کیفری و مدنی در حقوق کشور ما است که فواید مهمی را در پی دارد از جمله کنترل قاضی از طریق نظارت همگانی، دور نگه داشتن دستگاه قضا از مظان اتهام و پیش داوری، جلب اعتماد مردم و ...

در اصل ۱۶۸ ق.ا.مقرر داشته رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است؛ اما به نظر می‌رسد پذیرش این اصل به نحو مطلق، منطقی نیست زیرا در برخی پرونده‌ها، مصالح افراد یا کشور، غیر علنی بودن این گونه محاکمات را ایجاب می‌کند.

تفسیر قانون مطبوعات

فصل اول / تعریف مطبوعات

ماده ۱. مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که بطور منظم بانام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می شوند.

تبصره ۱ - انتشار فوق العاده اختصاص به نشریه ای دارد که بطور مرتب انتشار می یابد.

تبصره ۲ - نشریه ای که بدون اخذ پروانه از هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون

مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.

تبصره ۳ - کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

فصل دوم / رسالت مطبوعات

ماده ۲. رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد، عبارت است از:

الف. روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یک.

ب. پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج. تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف.

د. مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشا و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی.

ه. حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی - نه غربی.

تبصره - هریک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

فصل سوم / حقوق مطبوعات

ماده ۳. مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادهای، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می باشد.

ماده ۴. هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ۵. کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

تبصره ۱ - متخلف از مواد (۴) و (۵) به شرط داشتن شاکی به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ - مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است. در صورت تخلف، دادگاه می تواند نشریه متخلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی نماید.

تبصره ۳ - مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدیدآورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می باشد.

فصل چهارم / حدود مطبوعات

ماده ۶. نشریات جز در مورد اخلاف به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می شوند آزادند:

۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.
۲. اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.
۳. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.
۴. ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.
۵. تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج .
۶. فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.
۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.
۸. افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.
۹. سرقتهای ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) بنحوی که تبلیغ از آنها باشد.(حدود موارد فوق را آیین نامه مشخص می کند)
- تبصره - سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر، ولو بصورت ترجمه.
۱۰. استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی، طرح مطالب موجب تضاد میان زن و مرد از طریق دفاع غیر شرعی از حقوق آنان.
- تبصره - متخلف از موارد مندرج در این ماده مستوجب مجازاتهای مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می باشد.
۱۱. پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.
۱۲. انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی.

ماده ۷. موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می شود:

الف. چاپ و انتشار نشریه ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دایم تعطیل گردیده است.

ب. انتشار نشریه به گونه ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است.

ج. انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دایم تعطیل شده اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.

د. انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیرمسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن. تبصره - مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیئت نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی باشند. فصل پنجم / شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده ۸. انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است. استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیرمستقیم ممنوع و جرم محسوب می شود. تبصره ۱ - مطبوعاتی که از طرف سازمانهای آزادی بخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می شود می تواند با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیرایرانی در چهارچوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند.

تبصره ۲ - کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی غیر دولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۳ - واگذاری امتیاز نشریه به غیر اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می شود مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیئت نظارت.

ماده ۹. الف - شخص حقیقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. تابعیت ایران.

۲. دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن.

۳. عدم حجرو ورشکستگی به تقلب و تقصیر.

۴. عدم اشتها به فساد اخلاقی و سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد.

۵. داشتن صلاحیت علمی درحد لیسانس و یا پایان سطح درعلوم حوزه ای ، به تشخیص هیئت نظارت موضوع ماده ۱۰ این قانون.

۶. پایبندی والتزام عملی به قانون اساسی.

ب - اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱ - مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشدو دراساسنامه ویاقانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشد.

۲ - زمینه فعالیت نشریه مرتبط بازمنه فعالیت شخص حقوقی بوده ومحدوده جغرافیایی انتشار آن همان محدوده جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد.

تبصره ۱ - متقاضی امتیاز نشریه موظف است خودیا شخص دیگری را به عنوان مدیرمسئول واجد شرایط مندرج دراین ماده معرفی نماید.

تبصره ۲ - برای نشریات داخلی یک سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یاخصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان دراختیار آنان قرار می گیرد،تنها اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده ۲ این قانون کافی است.

تبصره ۳ - با یک پروانه نمی توان بیش ازیک نشریه منتشر کرد.

تبصره ۴ - صاحب امتیاز درقبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که درنشریه به چاپ می رسد و دیگر امور مربوط به نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود.

تبصره ۵ - نخست وزیران، وزیران، استانداران، امرای ارتش و شهربانی، ژاندارمری، رؤسای سازمانهای دولتی، مدیران عامل و رؤسای هیئت مدیره شرکتها و بانکهای دولتی و کلیه شرکتها و مؤسساتی که شمول حکم درمورد آن مستلزم ذکر نام است، نمایندگان مجلسین، سفرا، فرمانداران، شهرداران، رؤسای انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها، اعضای ساواک، رؤسای دفاتر رستاخیز درتهران و مراکز استانها و شهرستانها و وابستگان به رژیم سابق که درفاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ درمشاغل مذکور بوده و همچنین کسانی که دراین مدت از طریق مطبوعات، رادیو و تلویزیون با سخنرانی دراجتماعات خدمتگزار

تبلیغاتی رژیم گذشته بوده اند، از انتشار نشریه و هرگونه فعالیت مطبوعاتی محرومند. تبصره ۶ - هیئت نظارت موظف است جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول از مراجع ذیصلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) استعلام نمایند. مراجع مذکور موظفند حداکثر تادوماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر به هیئت نظارت اعلام نماید. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر صلاحیت آنان تایید شده تلقی می گردد. تبصره ۷ - مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود. تبصره ۸ - اعضا و هواداران گروههای ضد انقلاب و یا گروههای غیر قانونی و محکومین دادگاههای انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضدانقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می کنند، حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.

ماده ۱۰ - اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی می باشند، عبارتند از:

الف - یکی از قضات به انتخاب رییس قوه قضاییه .

ب - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار وی.

ج - یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس.

د - یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

ه - یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان.

و - یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم.

ز - یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا.

تبصره ۱ - این هیئت ظرف دوماه پس از تصویب این قانون در دوره اول و در دوره های بعد، ظرف یک ماه قبل از اتمام مدت مقرر برای مدت دوسال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می شود.

تبصره ۲ - تصمیمات هیئت نظارت قطعی است. این امر مانع شکایت و اقامه دعوی افراد ذی نفع در محاکم نخواهد بود.

تبصره ۳ - دبیرخانه هیئت نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می شود و زیر نظر آن هیئت انجام وظیفه می نماید.

تبصره ۴ - وزارت ارشاد اسلامی مسئول دعوت و برگزاری جلسه انتخابات موضوع بند ((ه)) این ماده است و مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخابات مزبور بر اساس شرایط مندرج در صدر این ماده، هیئت سه نفری مرکب از افراد بندهای الف و ب و ج می باشند.

تبصره ۵ - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیئت نظارت بر مطبوعات را برعهده خواهد داشت و پاسخگویی عملکرد هیئت مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود.

ماده ۱۱ - رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول به عهده هیئت نظارت بر مطبوعات است.

تبصره - در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده (۹) این قانون را فاقد شود، به تشخیص هیئت نظارت مقرر در ماده (۱۰) و با رعایت تبصره های آن ، پروانه نشریه لغو می شود.

ماده ۱۲ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تخلف نشریات را راسا یا به تقاضای حداقل دونفر از اعضای هیئت نظارت، ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرارداد و در صورت لزوم به صورت مستقیم و یا از طریق هیئت نظارت، مراتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید.

تبصره - درمورد تخلفات موضوع ماده (۶) به جز بند (۳) و (۴) و بند (ب)، (ج) و (د) ماده (۷) هیئت نظارت می تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف موظف است ظرف مدت یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.

ماده ۱۳ - هیئت نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه، درباره صلاحیت متقاضی و مدیرمسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگیهای لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد، جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید، و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ موافقت هیئت نظارت برای متقاضی، پروانه انتشار صادر کند.

ماده ۱۴ - در صورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یافت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می شود، تازمانی که صلاحیت مدیر به تاییدنرسیده است، مسئولیتهای مدیر به عهده صاحب امتیاز است.

ماده ۱۵ - اعلام نظر هیئت نظارت مبنی بر تایید یا عدم تایید مدیرمسئول جدید، حداکثر سه ماه از تاریخ معرفی توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود.

ماده ۱۶ - صاحب امتیاز موظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه، نشریه مربوطه را منتشر کند و در غیر این صورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می رود، عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد موجب لغو پروانه خواهد بود.

تبصره - نشریه ای که سالانه منتشر می شود (سالنامه) از ماده فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یکسال بدون عذر موجه، پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد.

ماده ۱۷ - پروانه هایی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی

است، مشروط بر اینکه ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون، صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود با این قانون اقدام نماید.

ماده ۱۸ - درهرشماره بایدنام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی اداره و چاپخانه ای که نشریه درآن به چاپ می رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشارنوع نشریه(دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) درصفحه معین ومحل ثابت اعلان شود، چاپخانه ها نیز مکلف به رعایت مفاداین ماده می باشند. ماده ۱۹ - نشریات درچاپ آگهی های تجارتي که مشتمل بر تعریف وتمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی ازمراکز تحقیقاتی کشور که بر حسب قوانین رسمیت داشته باشند، تایید گردد با رعایت ماده ۱۲ آیین نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می باشند. تبصره - درموردی که طبق این ماده،مطبوعات مجاز به درج آگهی های مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویق نمی تواند ازمتن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور دراین ماده فراتر رود.

ماده ۲۰ - هر روزنامه یامجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه وکلیه مخارج و درآمد خود را درآن ثبت کند وبیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد. وزارت ارشاد اسلامی هروقت لازم بداند، دفتر مالی مؤسسات ر ابازرسی می نماید.

تبصره - کلیه مطبوعات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتبا به وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند.

ماده ۲۱ - مدیران مسئول نشریات موظفند از هرشماره نشریه،دونسخه به هریک ازمراجع زیر به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند:

الف - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب - مجلس شورای اسلامی.

ج- دادگستری مرکز استان محل نشر.

ماده ۲۲ - ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن بر اساس موازین شرعی و قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است.

ضوابط ورود و خروج آن، ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

فصل ششم / جرایم

ماده ۲۳ - هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه، کتبا برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است اینگونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو شماره ای که پس از وصول پاسخ منتشر می شود، در همان صفحه و ستون، و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آنکه جواب از دوبرابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد. تبصره ۱ - اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور، مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است. درح قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود.

تبصره ۲ - پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج گردد. به شرط آنکه حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد. تبصره ۳ - در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می تواند به دادگستری شکایت کند و رییس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت، جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می کند و هرگاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه، که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می کند.

تبصره ۴ - اقدامات موضوع این ماده و تبصره های آن نافی اختیارات شاکی درجهت شکایت به مراجع قضایی نمی باشد.

ماده ۲۴ - اشخاصی که اسناد و دستوره‌های محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح بوسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.

ماده ۲۵ - هرکس بوسیله مطبوعات مردم را صریحا به ارتکاب جرم یا جنایتی برضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است، تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم، و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع، براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۶ - هرکس بوسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۷ - هرگاه در نشریه ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد. تبصره - رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست. ماده ۲۸ - انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تغزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.

ماده ۲۹ - انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون، افشای آن مجاز نیست، ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۳۰ - انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است و مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می گردد و تعقیب جرایم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله ای که باشد متوقف خواهد شد.

تبصره ۱ - در موارد فوق، شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده، به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید.

تبصره ۲ - هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکي به بازماندگان وی به حساب آید، هریک از ورثه قانونی می تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.

ماده ۳۱ - انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد، ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد. تبصره - در مورد مواد ۳۰، ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد، در صورت تخلف رییس دادگاه باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند. این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می شود و در صورت تکرار تاموقع صدور رای دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می شود.

ماده ۳۲ - هر کس در نشریه ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست داده اند نیز می شود.

ماده ۳۳ - الف . هرگاه درانتشار نشریه، نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم می شود. تعقیب جرم ومجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

ب - پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده، به نحوی که با نشریه مذکور از نام، علامت و شکل مشته باشد، ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می گردد، مرتکب به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم می شود.

ماده ۳۴ - رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می تواند در محاکم عمومی یا انقلابی یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیئت منصفه الزامی است. تبصره - به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استانها رسیدگی می شود.

ماده ۳۵ - تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم می شود:

الف - جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .
ب - تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه های و حد اکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات.
تبصره - دادگاه می تواند در جرایم مطبوعاتی، مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازاتهای ذیل تبدیل نماید:

الف - جزای نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .
ب - تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات.
ج - محرومیت از مسئولیتهای مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال.

ماده ۳۶ - انتخاب هیئت منصفه به طریق ذیل خواهد بود:

هر دو سال یکبار درمهرماه، جهت تعیین اعضای هیئت منصفه در تهران، به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و درمراکز استان به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می شود.

هیئت مذکور درتهران (۲۱) نفر و در سایر استانها (۱۴) نفر از افراد مورد اعتمادعمومی رالزبین گروههای مختلف اجتماعی(روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضاء هیئت منصفه انتخاب می کند.

تبصره ۱ - چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود، رئیس کل دادگستری مکلف می باشند نسبت به دعوت از افراد یادشده و انتخاب هیئت منصفه اقدام نماید.

تبصره ۲ - چنانچه به هر دلیلی اعضای هیئت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیئت مذکور دراین ماده موظف است، ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیئت منصفه اقدام نماید.

ماده ۳۷ - اعضای هیئت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱ - داشتن حداقل سی سال سن و تاهل.

۲ - نداشتن سابقه محکومی مؤثر کیفری.

۳ - اشتهار به امانت، صداقت و حسن شهرت.

۴ - صلاحیت علمی و آشنایی با مسایل فرهنگی و مطبوعاتی .

ماده ۳۸ - پس از انتخاب اعضای هیئت منصفه، موضوع ماده (۳۶) این قانون، مراتب توسط رئیس کل دادگستری استان به اعضاء ابلاغ می گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی، از تمامی اعضای هیئت منصفه دعوت می کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل ۷ نفر از اعضاء هیئت منصفه رسمیت خواهد یافت. اکثریت آراء حاضران ملاک تصمیم گیری هیئت منصفه خواهد بود. اعضای هیئت موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند. تبصره ۱ - تصمیمات هیئت های نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود. تبصره ۲ - چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی، هیئت منصفه به حد نصاب نرسد، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر، حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی می نماید.

تبصره ۳ - دبیرخانه هیئت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضاییه تشکیل و زیر نظر هیئت منصفه انجام وظیفه می نماید.

ماده ۳۹ - هریک از اعضای هیئت منصفه چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیئت منصفه محکوم می شود. رای دادگاه قطعی است.

تبصره - هریک از اعضای هیئت منصفه به علت وجود عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد، موظف است دوز قبل از جلسه دادرسی عذر خود را کتبا و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند، در غیر این صورت عذر وی غیرموجه محسوب می گردد مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد. در هر حال موظف است عذر خود را به دادگاه اعلام نماید.

عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصاء گردیده است.

ماده ۴۰ - اعضای هیئت منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه، به خداوند متعال و در برابر قرآن کریم سوگند یاد می کنند بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت، تقوی و امانت داری، در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه نماید.

ماده ۴۱ - موارد رد اعضای هیئت منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش بینی شده است.
ماده ۴۲ - هرگاه در حین محاکمه، اعضای هیئت منصفه سؤالاتی داشته باشند، مراتب را کتبا جهت طرح، تسلیم رئیس دادگاه می نمایند.

ماده ۴۳ - پس از اعلام ختم رسیدگی، بلافاصله اعضاء هیئت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:

الف - متهم بزهکار است یا خیر؟

ب - در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره ۱ - پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می نماید.

تبصره ۲ - در صورتی که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می تواند پس از رسیدگی رای بر برائت صادر کند.

تبصره ۳ - در صورتی که رای دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رای صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدید نظر خواهی است. در رسیدگی مرحله تجدید نظر حضور هیئت منصفه لازم نیست.

تبصره ۴ - حضور هیئت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانون لازم نیست.

ماده ۴۴ - هرگاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه در صورتی که قبلاً توقیف شده باشد بی درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می باشد.

فصل هشتم / موارد متفرقه

ماده ۴۵ - نظارت دقیق بر عملکرد جراید و انجام رسالت مطبوعاتی آنان برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این امر مانع از انجام وظیفه مستقیم هیئت نظارت نخواهد بود.

ماده ۴۶ - صاحب امتیاز و مدیر مسئول موظفند کلیه کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رای هیئت نظارت یا به هر دلیل دیگر نشریه تعطیل گردید، تازمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار حقوق قانونی آنان پرداخت شود.

ماده ۴۷ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف حداکثر شش ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۴۸ - این قانون از جمله درموردنحوه تشکیل هیئت نظارت و هیئت منصفه از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و نیز از تاریخ تصویب، کلیه قوانین مغایر با آن از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ شورای انقلاب لغو می گردد. / ق ۱

در ایران، نهاد هیات منصفه به معنای امروزی آن سابقه تاریخی طولانی ندارد و به زمان تصویب متمم قانون اساسی انقلاب مشروطیت باز می‌گردد که در اصل هفتاد و نهم آن قانون به این موضوع اشاره شده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مساله هیات منصفه اهمیت بیشتری پیدا نمود و به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهاد هیات منصفه در رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی مورد پذیرش قرار گرفته و تثبیت شده است. به موجب اصل مذکور رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. در جرایم مطبوعاتی به موجب تبصره ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، رسیدگی با حضور هیات منصفه و در دادگاه کیفری استان به عمل می‌آید. شرایط لازم برای اعضای هیات منصفه در رسیدگی به جرم مطبوعاتی طبق ماده ۳۷ قانون مطبوعات مشخص گردیده است که از این شرایط میتوان به داشتن حداقل سی سال سن، تأهل و نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و ... اشاره داشت.

پس از انتخاب اعضای هیات منصفه طبق ماده ۳۶ قانون مطبوعات، مراتب توسط رییس کل دادگستری استان به اعضا ابلاغ می‌گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضای هیات منصفه دعوت میکند تا در جلسه محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیات منصفه رسمیت خواهد داشت و اعضای هیات منصفه موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند. اعضای هیات منصفه بعد از انتخاب در جلسه ای در برابر قرآن مجید به خداوند متعال سوگند یاد میکنند که بدون در نظر گرفتن گرایش های شخصی و گروهی و با رعایت صداقت، تقوا، امانت داری در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه کنند. یاد آوری میشود که تا اوایل دهه هفتاد، دادرسی های مطبوعاتی با حضور هیات منصفه، انگشت شمار بودند. به طوری که با مطالعه تاریخ ایران در یکصد سال اخیر، به جز تشکیل هیات منصفه در صدر مشروطیت و اواسط سال ۱۳۳۴ دیگر نمونه ای از تشکیل هیات منصفه تا سال ۱۳۷۰ ملاحظه نمی شود.

در مورد تعارض نظر قاضی و هیات منصفه هم باید بدانیم که همواره نظریه هیات منصفه نظری مشورتی است و برای قاضی الزام آور نیست و در نهایت این قاضی است که تصمیم گیرنده نهایی خواهد بود. هر چند که فلسفه حضور اعضای هیات منصفه در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی، با لزوم تبعیت قاضی

دادگاه از نظر هیات منصفه معنا پیدا میکند ، ولی تنها در مصوبه شورای انقلاب اسلامی موصوب ۱۳۵۸ به این تبعیت توجه شده بود و پس از آن به دلیل آن که محاکمات سیاسی و مطبوعاتی در کشور ما چندان مطرح نبود ، قانونگذار در تصویب قانون مطبوعات ۱۳۶۴ در این مورد سکوت کرد ولی پیامدهای پس از آن و تشدید دغدغه خلاف شرع بودن این موضوع ، قانونگذار را در سال ۱۳۷۹ به سویی برد که استقلال کامل قاضی در مقابل نظر هیات منصفه را در نظر گرفته و مقرراتی را به تصویب رسانید که با اصل توجه دادگاه به دیدگاه عمومی در صدور رای ناسازگار بود . این دیدگاه در قانون هیات منصفه در سال ۱۳۸۲ نیز مورد تاکید قرار گرفت

.

پس از بررسی لزوم حضور هیات منصفه در محاکمه مطبوعاتی اینک باید به علنی بودن رسیدگی به جرایم مطبوعاتی بپردازیم . علاوه بر اصل ۱۶۵ قانون اساسی که به دادرسی علنی تاکید دارد ، قانون آئین دادرسی کیفری نیز ، علنی بودن دادرسی را در تبصره ۱ ماده ۱۸۸ پیش بینی نموده و چنین تعریف کرده است که منظور از علنی بودن محاکمه ، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است . خبرنگاران رسانه ها میتوانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و متشکی عنه باشد منتشر نمایند . یکی دیگر از تضمینات مهم امنیت قضایی ، علنی بودن دادرسی های مطبوعاتی است . منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین ، بی طرف بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند و مطبوعات نیز بتوانند جریان دادرسی را انتشار دهند تا کارکرد دادگستری مورد سنجش و ارزیابی افکار عمومی قرار گیرد

.

همانطور که پیشتر اشاره شد ، علنی برگزار شدن محاکمات مطبوعاتی ، یکی از امتیازاتی است که مجرمان مطبوعاتی از آن برخوردار هستند زیرا این در حالی است که در محاکمات عادی شرط علنی برگزار شدن محاکمات این است که موضوع دادرسی ، منافی عفت و بر خلاف اخلاق حسنه نبوده و هم چنین مخل امنیت یا احساسات مذهبی نباشد و در امور خانوادگی نیز در خواستی از طرفین مبنی بر غیر علنی بودن

نباشد، در حالی که لزوم علنی برگزار شدن دادرسی مطبوعاتی منوط به هیچ کدام از این شروط نیست و همواره باید علنی برگزار گردد.

برگزاری دادگاه جرایم سیاسی و مطبوعاتی به صورت علنی

با اصلاح ماده ۳۰۵ لایحه آیین دادرسی کیفری دادگاه جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیئت منصفه برگزار می‌شود.

گروه قضایی - مطابق قانون اساسی، دادگاه‌ها ملزم به رعایت اصل برگزاری علنی جلسات دادرسی هستند. بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی تمامی محاکمات باید علنی برگزار شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص قاضی علنی بودن آن منافی مصلحت نظام، عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. البته انتظار افکار عمومی در رسیدگی به پرونده‌های بزرگی چون فساد مالی ۳ هزار میلیاردی علنی برگزار شدن این دادگاه بوده است که در مرحله اول رسیدگی به این پرونده این مهم محقق شده است و انتظار می‌رفت مرحله دوم رسیدگی به این پرونده نیز علنی برگزار شود، همان طور که قاضی ناصر سراج با حضور در نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات و خبرگزاری‌ها، در گفت‌وگو با ایسنا، از آغاز رسیدگی به مرحله دوم پرونده فساد بزرگ مالی در شعبه اول دادگاه انقلاب خبر داده بود و در پاسخ به این سوال که "آیا مرحله دوم رسیدگی به پرونده فساد مالی نیز علنی است یا خیر؟" تاکید کرده بود: « همه دادگاه‌های ما علنی است مگر اینکه استثنایی وجود داشته باشد.» البته گویا دادگاه این پرونده برای آن بخش از متهمانی که کیفرخواست آنها صادر شده در حال برگزاری است و قوه قضاییه در نظر دارد که سریعتر به نتیجه برسد و بیش از این درگیر برگزاری دادگاه‌های علنی نشود و بتواند احکام صادر شده را به اطلاع عموم رسانده و پاسخی روشن برای اذهان عمومی باشد. «قانون» در گفت‌وگویی با بهمن کشاورز به بررسی اصل علنی برگزار شدن دادگاه‌ها و دلایل قانونی برای غیر علنی برگزار کردن دادگاه فساد بزرگ مالی پرداخته است.

بر اساس قانون اساسی محاکمات علنی برگزار می‌شوند

بهمن کشاورز با بیان این مطلب که به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی در محاکمات علنی برگزار می‌شود و حضور افراد بلامانع است، افزود: مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی و نظم عمومی باشد و یا طرفین دعوا تقاضا کنند محاکمه علنی نباشد. این حقوقدان در ادامه تصریح کرد: ملاحظه می‌شود اصل در برگزاری محاکمات، علنی بودن آنهاست و استثنائات در مورد این حکم کلی در اصل ۱۶۵

بیان شده است. این وکیل پایه یک دادگستری با اشاره به اصل ۱۶۸ قانون اساسی، توضیح داد: در خصوص جرایم سیاسی و مطبوعاتی اصل ۱۶۸ اعلام می‌کند که رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. وی عنوان کرد: نحوه انتخابات اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعریف می‌کند.

دادگاه جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید علنی برگزار شوند

کشاورز در توضیح ماده ۱۶۸، خاطر نشان کرد: اولاً، به نظر بعضی جرایم سیاسی و مطبوعاتی در هر صورت باید به صورت علنی محاکمه شوند. به عبارت دیگر استثناء بیان شده در اصل ۱۶۵ شامل جرایم سیاسی و مطبوعاتی نمی‌شود. وی ادامه داد: دادگاه نمی‌تواند به عنوان منافی عفت عمومی یا مغایر نظم عمومی بودن دادگاه علنی محاکمه را غیرعلنی اعلام کند. البته در این مورد بر مبنای قواعد اصولی و اینکه اصل ۱۶۸ مؤخر بر اصل ۱۶۵ آمده است می‌توان بحث‌های گوناگونی مطرح کرد که از حوصله گفت‌وگوی فعلی ما بیرون است. این حقوقدان تصریح کرد: ثانیاً، هیأت منصفه برای مطبوعات تشکیل شده است اما در مورد نحوه انتخاب و شرایط اعضای هیأت منصفه بحث بسیار وجود دارد که باید مستقلاً مطرح شود.

تبصره اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۸، تاکید بر علنی برگزار شدن دادگاه دارد

« در این حال تبصره اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۸، مربوط به ماده ۱۸۸ می‌گوید: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی، گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و متهم باشد منتشر کنند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افتراست». ملاحظه می‌شود در این ماده نیز شرط علنی بودن اصل است و دادگاه فقط در موارد سه گانه می‌تواند محاکمه را غیرعلنی برگزار کند. کشاورز باین بیان این مطلب که مسئله منافی عفت و اخلاق حسنه بودن جرم یا جرایمی با قضاوت عرفی قابل احراز و درک است و دادگاه در این مورد مشکلی ندارد، افزود: تکلیف مسائل خانوادگی و دعاوی خصوصی هم روشن است و اصولاً در دادگاه‌های مدنی ما، حضور تماشاچی معمول نیست.

وی ادامه داد: اینکه علنی بودن دادگاه محل احساسات مذهبی شود نیز کم و بیش قابل احراز است و مشخص است چه مواردی ممکن است احساسات مذهبی را جریحه دار کند. آنچه پیچیدگی دارد بحث محل امنیت بودن یک محاکمه است.

این وکیل پایه یک دادگستری ادامه داد: آنچه مسلم است قانون اساسی اصولاً متعرض مسئله امنیت نشده بلکه از نظم عمومی نام برده است. قانون آیین دادرسی کیفری بدون ذکر نظم عمومی امنیت و احساسات مذهبی را مطرح و اخلاق حسنه را نیز به موارد امکان غیرعلنی بودن دادگاهها اضافه کرده است. از آنجا که قانون آیین دادرسی کیفری قانونی است آزمایشی و موقت و حتی در شرایط فعلی زمان اجرای موقتی آن هم منقضی شده و با اذن ولی امر در حال اجراست. به نظر می رسد باید در قانون بعدی تکلیف قضیه به نحوی روشن شود که مفاد این قانون با قانون اساسی معارضه نداشته باشد.

مضافاً اینکه به نظر می رسد رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به طور کلی نمی تواند غیرعلنی باشد. کشاورز در پاسخ به این سوال که در رابطه با برگزاری پرونده فسار ۳ هزار میلیاردی که مرحله اول آن علنی برگزار شده اما مرحله دوم غیر علنی در حال برگزاریست، دلیل غیر علنی برگزار شدن این دادگاه چیست، توضیح داد: در این مورد خاص البته نظر دادگاه محترم است و با توجه به اطلاق ماده ۱۸۸ این محکمه در مورد علنی بودن یا نبودن تصمیم می گیرد

تفسیر قانون هیات منصفه

ماده ۱ - رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در دادگاه صالحه صورت می گیرد.

هیات منصفه در دادگاههای تحت نظر قوه قضائیه طبق این قانون تشکیل می گردد.

ماده ۲ - اعضاء هیات منصفه از بین اصناف و گروههای مختلف اجتماعی نظیر روحانیون ، اساتید دانشگاه ، دانشجویان ، پزشکان ؛ مهندسان ، کارگران ، کشاورزان ، نویسندگان ، روزنامه نگاران ، معلمان ، وکلای دادگستری ، کارمندان ؛ هنرمندان ؛ پیشه وران و تجار برای مدت چهار سال انتخاب می گردند.

ماده ۳ - انتخاب اعضاء اصلی و علی البدل هیات منصفه هراستان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیات منطفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیات منصفه هراستان در اولین جلسه خود یکی از اعضاء را برای مدت دوسال به عنوان دبیر هیات منصفه انتخاب خواهد کرد . دبیر ، مسوولیت اداره دبیرخانه را به عهده دارد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسوولیت دبیر، دبیر جدید به وسیله هیات منصفه استان انتخاب خواهد شد.

امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر رئیس قوه قضائیه یا فردی که ایشان تعیین می کند و با حضور رئیس شورای اسلامی استان و دونفر از نمایندگان آن استان به انتخاب مجلس به عنوان ناظر انجام می شود. قرعه کشی با حضور حداقل دو نفر از ناظرین معتبر است.

ماده ۴- اعضاء هیات منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران

۲. مسلمان بودن

۳. التزام عملی به قانون اساسی

۴. حداقل سی سال سن

۵. عدم محرومیت از فعالیتهای اجتماعی

۶. داشتن حداقل مدرک دیپلم یا معادل آن در علوم حوزوی

ماده ۵ - تعداد اعضاء هیات منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استانهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر دویست و پنجاه نفر و در استانهای با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، یکصد و پنجاه نفر می باشد.

تبصره ۱ - پس از تعیین دو سوم اعضاء هیات منصفه رسمیت می یابد.

تبصره ۲ - حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیات منصفه برای انتخاب هیات منصفه جدید اقدام خواهد شد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیات منصفه ، اعضاء هیات منصفه بعدی مشخص شده باشند.

ماده ۶ - هیات منصفه هر محکمه براساس قرعه در تهران بیست و یک نفر و در سایر مراکز استانها چهارده نفر انتخاب می شوند. دبیر هیات منصفه ده روز قبل از زمان برگزاری دادگاه با دعوت از نمایندگان ادگستری

و شورای شهر مرکز استان و وکیل یا نماینده متهم و شاکی قرعه کشی را انجام می دهد. حضور نمایندگان دادگستری و شورای شهر در مراسم قرعه کشی الزامی است.

نبره ۱- در ترکیب هیات منصفه هر محکمه از یک صنف یا گروه اجتماعی نباید بیش از دو نفر از طریق قرعه کشی انتخاب شوند.

نبره ۲ - در صورتی که به تشخیص دادگاه رسیدگی به اتهام فوریت داشته باشد و امکان رسیدگی نیز فراهم باشد، رعایت ده روز مذکور در این ماده الزامی نیست . و دبیر عیات منصفه موظف است ضمن همکاری با قاضی مربوطه اعضاء هیات منصفه دادگاه را در موعد مقرر معرفی نماید.

ماده ۷ - در تهران دادگاه با حضور حداقل یازده نفر و در استانها با حضور نه نفر اعضاء هیات منصفه تشکیل شده و رسمیت خواهد یافت . ملاک تصمیم گیری هیات منصفه آراء اکثریت حاضران خواهد بود.

اعضاء هیات منصفه موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند.

ماده ۸ - دبیرخانه هیات منصفه زیر نظر هیات منصفه انجام وظیفه می کند و بودجه آن از محل کمکهای اهدایی تامین خواهد شد.

ماده ۹ - چنانچه هریک از اعضاء هیات منصفه بدون عذرموجه در چهارجلسه متوالی یا شش جلسه متناوب در دادگاه حاضر نشوند و یا به همین ترتیب از شرکت در اتخاذ تصمیمات خودداری کنند با حکم همان دادگاه به دو سال محرومیت از عضویت در هیات منصفه محکوم می شوند.

نبره - هریک از اعضای هیات منصفه که با عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حاضر شود موظف است دوز قبل از جلسه دادرسی ، مراتب مغذوریت خود را به طور کتبی و مستدل به استحضار دادگاه برساند. در صورتی که سبب عذر بعداً " حادث شود باید در اولین فرصت ممکن مراتب به اطلاع دادگاه رسانده شود. در غیر این صورت عذر وی غیرموجه محسوب می گردد. عذر موجه در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب - در امور کیفری - مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی احصاء شده است.

ماده ۱۰- اعضای هیات منصفه بعد از انتخاب در جلسه ای در برابر قرآن کریم به خداوند متعال سوگند یاد می کنند که بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی ، گروهی و بارعایت صداقت ، تقوی و امانت داری در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه کنند.

ماده ۱۱- رد صلاحیت اعضاء هیات منصفه مطابق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی - حقوقی مجلس شورای اسلامی همانند رد صلاحیت قضات خواهد بود.

ماده ۱۲- هرگاه درحین محاکمه ، اعضای هیات منصفه سوالی داشته باشند مراتب را کتبا " جهت طرح ، تسلیم رئیس دادگاه می کنند.

ماده ۱۳- پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضاء هیات منصفه به شور پرداخته و نظرکتابی خودرا در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:

الف - متهم بزهکار است یا خیر؟

ب - درصورت بزهکاری ، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره - پس از اعلام نظر هیات منطفه ، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می نماید.

ماده ۱۴- با تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر می گردد.

ماده ۱۵- آیین نامه اجرایی این قانون از زمان تصویب ظرف مدت سه ماه بوسیله وزارتخانه های دادگستری ، کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی تهره و به تصویب هیات وزیران می رسد.

قانون فوق مشتمل بر پانزده ماده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم اسفند ماه یکهزاروسیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است .

نظر هیات منصفه ی مطبوعات ارجح است یا دادگاه کیفری استان؟!

رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسوول بهعهده هیات نظارت بر مطبوعات است و انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی با اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است. نشریه ای که با داشتن پروانه از هیات نظارت بر مطبوعات منتشر می

شود، می تواند از امتیازات مقرر در قانون مطبوعات بهرمنند شود. یکی از این امتیازات وجود هیات منصفه است. این هیات برآیند تفکر عمومی است. گاه ممکن است از نظر عموم مردم فعلی جرم نباشد ولیکن در قانون جرم شناخته شده باشد که خواهیم دید نظر این هیات چه تاثیری بر رای دادگاه دارد.

هر چند مطبوعات و نشریات مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب آزادند، لکن این آزادی در چهارچوب قانون خواهد بود و مسوولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیر مسوول است که این مسوولیت نافی مسوولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود.

حال چنانچه جرم مطبوعاتی محقق شود، پس از طی تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست از سوی دادستان، دادگاه کیفری استان با حضور اعضای هیات منصفه مطبوعات تشکیل می شود. پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضای هیات منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:

الف - متهم بزهکار است یا خیر؟

ب - در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

پس از اعلام نظر هیات منصفه دادگاه کیفری استان در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می نماید. در صورتی که تصمیم هیات منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می تواند پس از رسیدگی رای بر برائت صادر کند و به نظر می رسد چنانچه نظر هیات منصفه بر برائت متهم باشد و نظر دادگاه بر مجرمیت، نظر هیات منصفه ملاک است.

منابع

- ۱- قانون اساسی
- ۲- قانون مجازات اسلامی
- ۳- قانون مدنی
- ۴- قانون مطبوعات
- ۵- قانون هیات منصفه
- ۶- سعید مرتضوی: جرایم مطبوعاتی،
- ۷- محمود صوفی آبادی: بررسی و مقایسه قانون جدید هیأت منصفه
- ۸- محمود صوفی آبادی: نقد و بررسی صلاحیت دادگاه‌ها در جرایم مطبوعات
- ۹- حمید مقدم فر جرایم مطبوعاتی
- ۱۰- محمد رضا زینلی، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی
- ۱۱- غلامرضا پسوندی، جرم سیاسی، تهران
- ۱۲- دکتر سید محمد هاشمی، تکمیل جرائم سیاسی و مطبوعاتی
- ۱۳- رسول دادگری، بزه سیاسی
- ۱۴- محمد جعفر لنگرودی، ترمینولوژی، حقوق
- ۱۵- محمد اصغری، بررسی تطبیقی جرم سیاسی،
- ۱۶- محمد رضا زینلی، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی،
- ۱۷- حسین میر محمد صادقی، جرم سیاسی چیست؟ مجرم سیاسی کیست؟
- ۱۸- استاد امیر شکیبافر
- ۱۹- وکیل پایه یک دادگستری بهاره دولو
- ۲۰- وکیل پایه یک دادگستری سحر طالبی
- ۲۱- وکیل پایه یک دادگستری الهام فهیمی